



سر دبیر: مینو همتی  
 Editor-in-chief: Mino Hemati  
 Email: minohemati@gmail.com  
 مدیر مسئول: شراره رضایی  
 Managing editor: Sharareh Rezaei  
 Email: shararehrezaei.p@googlemail.com

نشریه ماهانه:  
 3rd Series, Issue 42  
 سری سوم، شماره ۴۲  
 ۱۳۹۴ دی January 2016

مطالب

نوک کوه یخ آزار جنسی  
 مصاحبه سازمان رهایی زن با شراره رضایی  
 سقوط اخلاق حرفه ای در حکومت دینی جمهوری اسلامی!  
 شاهین کاظمی  
 دلیل اصلی تنش در خاورمیانه، فقط دعوی شیعه و وهابیت نیست  
 سحر باباسجلی  
 نقش زنان در حکومت های اسلامی  
 دل آرام آزمون  
 یک فعال سیاسی.....  
 اوا انزلی  
 نگاهی اجمالی به هواشی اخیر شب سال نو در کلن المان و استهکلم سوند در رابطه با تعرضات مهاجران و تقابل فرهنگ ها  
 آکو رضایی  
 گزارش ندای زنان ایران از کار دختران در اردیبل در کشور من جنگ است ولی امن تشخیص داده شده و رئیس جمهور اشرف غنی افغان ها را دعوت به بازگشت یا بهتر بگویم به مردن می کند!  
 یوسف(حیات)حسینی  
 پیام ینار محمد به انگلیسی  
 پیش خرید کودکان در شک مادران کارتن خواب و همچنین سیستم پزشکی بیرحم! فرشته نظام آبادی  
 امروز گل دریافت کردم ترجمه شعر: آرزو آریابور  
 گزارش: سیاست های جمهوری اسلامی، باعث ایجاد زمینه خشونت علیه زنان مرضیه آدمی  
 نگاهی به اشکار سازی (کامینگ اوت) همجنسگرایان و دوجنسگرایان در جوامع مختلف محمد اسمعیل نژاد  
 صفحه ی علمی: زنان و تابوی بیماری های جنسی نعیمه دوستدار  
 صفحه ی خبری: نامه سر گشاده محمود صالحی به مسئولان وزارت اطلاعات استان کردستان  
 معرفی شخصیت ها و زنان مهم و تاثیر گذار در جنبش سوسیالیستی رزا لوگزامبورگ تندخوی سیاسی و نرمخوی انسانی  
 راه های تماس با سازمان رهایی زن، فرکانس و روز پخش برنامه در ایران

خبرگزاریهای جهان در لابلای گزارشات جشن و سرور تحویل سال، تعرض سازمانیافته به زنان در شهر کلن و چند شهر دیگر آلمان برجسته کردند. این واقعه عواقب متعددی را بدنبال داشت که در برنامه امشب در گفتگو با شراره رضایی فعال حقوق زنان و مدیر مسئول ماهنامه رهائی زن مقیم آلمان، به بحث و گفتگو می نشینیم.

نوک کوه یخ آزار جنسی  
 مصاحبه سازمان رهایی زن با شراره رضایی



شراره عزیز با سلام به برنامه رهائی زن خوش آمدید.  
 سلام به شما و سلام به بینندگان عزیز تلویزیون سازمان رهایی زن

۱) قبل از هرچیز میایلم در مورد اینکه تعرضات جنسی اخیر که به عبارتی سازمان یافته شروع شده است که بنوع خود بیسابقه بوده است توضیح دهید.

خب همانطور همه ی کشورهای اروپایی و شاید کشورهای دنیا مرسوم است. شب ژانویه و سال نو را جشن می گیرند. هزاران نفر از مردم معمولاً در میدان های اصلی شهر هزاران جمع می شوند. آتش بازی و رقص و شادی می کنند. و هر سال این اتفاق می افتد. امسال هم در کشور آلمان، کلن و سایر شهرهای دیگر از جمله دوسلدورف، هامبورگ و شتوتگرن هم همین جشن برپا شد. روز بعد از آن شب پلیس گزارشی مطبوعاتی منتشر کرد که همه چیز در «فضای شادمانی» و مسالمت آمیز تمام شد. ولی یکی دو روز بعد خبری پخش شد مبنی بر اینکه گروهی سازمان یافته در ایستگاه قطار که اکثرأ مهاجر هستند به زنان تعرض جنسی، کیف قاچی و دو مورد تجاوز جنسی هم اعلام شده. بین روزهای ۸ و ۱۲ ژانویه تعداد شکایت ها بیش از ۴۰۰ نفر رسید. ولی پلیس اعلام کرد که تنها دو نفر را توانسته دستگیر کند و آن هم دلایل و مدارک معتبری نداشتند و آزاد شدند. ولی نکته ای که باید یادآور بشوم اینکه طبق قانون اصلاً پلیس اعلا تا مشخص نشدن واقعیت و پایان تحقیقات، حق نداره که هویت کسی را بعنوان مجرم آشکار کند و علیه کسی اعلام جرم کند خصوصاً آفریقایی ها و عرب زبان ها را اعلام کرد. در جای سوال که در کشوری که تمام سیستم ش به

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطالب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به آدرس ایمیل زیرارسال کنید.  
 Markazi@RahaiZan.org

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگوئی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگوئی به این نظرات کوشا باشند.  
 مینو همتی

دوربین های مدار بسته مجهز حتی در مغازهای شخصی و معمولی که معمولا یک کارگری را بعنوان فروشنده در آنجا کار می کند، کارفرما دائما این کارگر را زیر نظر دارد که مبادا دزدی صورت گیرد. سوال پیش می آید که اگر پلیس به تعداد مشکوک شده که در ایستگاه قطار بودند باید بیشتر تحقیق می کرد و اگر هم اینطور نبود باید این افراد و گروه را زیر نظر قرار می داد تا حداقل آنچه بعنوان تعرض به زنان است جلوگیری کنند.

**۲) همانطور که برخی شاهدان عینی اظهار داشتند یک گروه سه نفره که عرب زبان بنظر میرسیدند در رهبری گروه بیست تا سی نفره تعرض گروه را هدایت میکردند. با توجه سیاستهای حکومت اسلامی داعش در ایجاد رعب و وحشت در غرب ایما ردیای عاملان ارتجاع اسلامی را در این وقایع مشاهده میکنید؟**

من تا بحال کسی را بعنوان شهادت ندیدم جز آن اخبار ضدونقیض که پلیس اعلام می کند. آنچه پلیس گفته در همان شب تعداد حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر جوان که از یکساعت قبل یعنی ۱۱ شب در جلوی ایستگاه مرکزی قطار به صورت گروهی بودند که اگر بخواهیم این را به داعش مرتبط کنیم وضعیت پناهندگان به مراتب بدتر خواهد شد و در ضمن من فکر نمی کنم در این ارتباط پای داعش در میان باشد چرا که سوابق داعش نشان داده که آنها وحشی تر از این حرف ها هستند و اگر اینطور بود حتما به شکل دیگری مثل انتحاری و یا انفجارهایی که در گروه ها و تجمعات و یا جشن های دیگری اتفاقی که در فرانسه و یا ترکیه اتفاق افتد حتما به شکل دیگری می بود. ولی حکومت های اسلامی حتما نقش داشتند چرا که مردسالاری در جوامع کشورهایی با حاکمیت اسلامی هستند قطعا پررنگ تر است و

مردسالاری نهادینه شده در مردان به دلایل تربیتی و آنچه که دولت به جامعه به شکل آموزش داده می شود. می توان به اسلام نقد کرد و می توان گفت که اسلام دین خشونت آمیز است و داره خشونت را بازتولید می کند ولی مسلمان ستیزی چیز دیگری ست و آن بعد انسانی است چون بر علیه یک انسان صحبت می کنید. افرادی در کشورهای مسلمان هستند بنا به شرایط جامعه شان مثل ایران کسی نمی تواند حتی با وجود آنکه بخش وسیعی از جوان ها چیزی بنام اسلام را قبول ندارند و خیلی درصد کمی از افراد نماز می خوانند ولی می گویند جامعه اسلامی ست و اینها را باید از هم تفکیک کرد و قطعاً جامعه ی مردسالار در روی افراد تاثیرگذار است و وقتی این مردها در جامعه ی دیگری می شوند ممکن است باز خورد بدی داشته باشد.

**۳) سابقه بدمستی و آزار جنسی در شب سال نو و جشن اکتبر در آلمان و تفاوت های آن با تعرضات اخیر چه بوده است؟**

طبق آمار سازمان های زنان هر ساله در جشن اکتبر یا همان جشن آجوی مونیخ به طور متوسط به ۱۰ زن تجاوز جنسی می شود. البته این آمار رسمی و آمار غیررسمی و آنچه اعلام نمی شود گفته می شود حتی تا ۲۰۰ نفر مورد تعرض جنسی هم رخ داده. آمار آزار و اذیت و تعرض جنسی در جشن کارناوال کلن نیز بسیار بالاست اما به دلیل جدی نگرفتن موضوع از طرف پلیس این شکایت ها عموماً ثبت نمی شوند. و در هیچ آماری نمی آید. در آلمان از هر ۷ زن یک نفر حداقل یکبار مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد. این تجاوز جنسی فقط در خیابان نیست. وقتی عدم رضایت زن در سکس هم باشد اینهم خشونت و تجاوز محسوب می شود. ۸۰۰۰ مورد تجاوز جنسی در سال صورت میگیرد. در سال ۲۰۱۲ تنها ۴/۸ درصد

توانستن این جرم ها را به اثبات برسوند و یعنی بعنوان جرم، مجرمین محکوم بشوند. تخمین زده شده که سالانه ۴/۲ میلیون زن و کودک در سرتاسر جهان قربانی تجارت جنسی می شوند. طبق برآورد سازمان جهانی کار، درآمد متوسط از فحشای اجباری معادل ۶۷ هزار دلار هر ساله دولت ها از مکان های تن فروشی زنان سود می برند.

در فوریه ۲۰۱۵ یک زن عرب که روسری به سر داشته در ساعت ۵ بعدازظهر وقتی در خیابان میرفته کسی با یک جسم سنگین به سرش می زنه و حدود یکساعت یا بیشتر بی هوش بوده وقتی به هوش می یاد لباسش پاره بوده و بر روی تنش آب جو و مشروب ریخته بودند و وقتی کمی هوشیار می شود و به پلیس شکایت می کند ولی پلیس حرف این زن رو به مسخره می گیرد و می گوید زیاد آجی و مشروب خوردی! ولی بعدها از طریق یک روزنامه ی محلی رسانه ای می شود. منظورم این است که در بسیاری از موارد پلیس این را نادیده می گیرد.

ولی آلمان بخاطر هجوم پناهندگان به آلمان یک اهرم فشاری را به شکل سازمان یافته می خواهند یک بهانه ای را بدست دولت بدهند تا اخراج پناهندگان راحت تر شود. حتما تجاوزی صورت گرفته همانطور که در جشن های قبلی هم صورت گرفته و باز هم این زن هست که قربانی می شود. و حتما اولین بار نیست و آخرین بار هم نیست چون خود دولت ها و نظام سرمایه داری برای به جیب زدن سود سرمایه دارد این سکسیزم را تولید می کند و برای فروش هر کالایی از جنسیت زن استفاده می کند. در تلویزیون دائم فیلم های پر نو را تبلیغ می کند و به نمایش می گذارد.

ولی این فشار الان بر روی پناهندگان می آورد برای تسهیل اخراج آنها درحالی که خود کشورهای اروپایی این جنگ و خشونت و دخالت نظامی در کشورهای خاورمیانه را دارند و به آنها اسلحه می فروشنند. مسلماً هیچ انسانی اگر یک زندگی خوب و بدون جنگ داشته باشد به کشور دیگر پناهنده نمی شود. چرا یک اروپایی در کشورهای خاورمیانه پناهنده نمی شود؟! چون در رفاه است. ولی اگر مردم خاورمیانه امنیت و رفاه داشتند. اگر جنگ، خشونت، دربردی و بی خانمانی و تجاوز نبود قطعاً کسی پناهنده نمی شد. کشورهای اروپایی دارند برنامه ای را میچینند که اولاً دخالتگری خودشان را در دخالتگری در کشورهای دیگر پوشش بدهند و از سوی دیگر دارند فاشیسم را دارد قوی می کند. این تجاوز هر سال هست ولی هیچ کس صدایش بلند نمی شود ولی در این رابطه اینه هیا هو می کنند. من نمی گویم این اتفاق نیافتاده است. بلکه این اتفاق افتاده ولی در این مسئله پناهنده ستیزی در دیپورت پناهندگان و براه انداختن پروپاگاندهای فاشیستی مسئله خشونت و تعرض به زن در این هیا هو حل و گم شد و باز این زن هست که قربانی می شود. اون دو زن که تجاوز به آنها شد چه اتفاقی برای خودشان افتاد. یا اروپا نمی تواند از زنان حمایت کند. کما اینکه دولت هم به کم کاری پلیس در این رابطه اعتراف کرده است.

**۴) تا کنون مشخص شده است که اکثر مهاجمین از کشورهای اسلامزده بوده اند، کشورهاییکه زن ستیزی و آزار جنسی زنان نهادینه شده است. عکس العمل زنان مهاجری که از سایه شوم قوانین شریعت گریخته اند به این ماجرا چه بوده است؟**

من قبل از پاسخ به سوال شما باید به یک مسئله ای اشاره کنم. پلیس شهر کلن آلمان آخرین خبری که اعلام کرده با عنوان آماری که نباید منتشر می شد. اعتراف کرده که بخش بزرگی از پناهجویان آمده به آلمان از هنگام ورود به این کشور، هیچ تخلفی مرتکب نشده اند.

**سقوط اخلاق حرفه ای در حکومت دینی جمهوری اسلامی !**

شاهین کاظمی



موضوع مشکلات زیاد اقتصادی خود عامل هزاران بدبختی و مصیبت برای طبقه فقیر جامعه هست در این نیز شکی نیست که خود جای هزاران ساعت بحث و مجادله را می طلبد . من این اتفاق پیش آمده برای کودک صورت شکافته را می خواهم از منظری دیگر با هم ببینیم ، از دیدگاه پزشکی و سوگند نامه سقراط و حقوق بشر و پزشکان بدون مرز نگاه کنیم ، حس دردی که این کودک برای درمان و بخیه شدن میکشد که تا اینجا طبیعی هست که باید صورت شکافته شده دوخته شود اما وقتی بخیه زدن تمام میشود و پزشک مسئول میفهمد که والدین کودک عاجز هستند از پرداخت ۱۵۰ هزار تومان هزینه درمان و در کمال ناپاوری و بدونه در نظر گرفتن انسانیت و مسئولیتی پزشکی خود دستور کشیدن بخیه ها را میدهد که وقتی از اینجا ماجرا به دردی که این کودک معصوم و فقیر

در روزهای گذشته خبری از داخل ایران منتشر شد مبنی بر اینکه بخیه های صورت يك كودك ۴ساله بدلیل عدم توان پرداخت هزینه بیمارستان توسط والدین با دستور پزشك كشيده شده و بیمار خردسال با زخم باز از بیمارستان مرخص شده است ، با اینکه فقر موجود در جامعه ایرانی بویژه در طبقه ضعیف تقریباً همه گیر شده و سرمایه های ملی نظیر نفت بجای تامین هزینه های اولیه مثل درمان رایگان برای شهروندان ایرانی خرج جنگ سوریه و عراق ویمن و... واهداف تبلیغاتی رژیم مذهبی ایران میشود .

میکشد دل هر انسانی به درد میاید و من با خود اندیشیدم و سؤالی هائی در ذهنم ایجاد شد که : ایا این پزشك اگر به پول فکر نمیکرد و از نظر اخلاق حرفه ای درمان بیمار را مدنظر قرار میداد که بویژه بیمار يك خردسال هست چه اتفاقی در يك بیمارستان دولتی



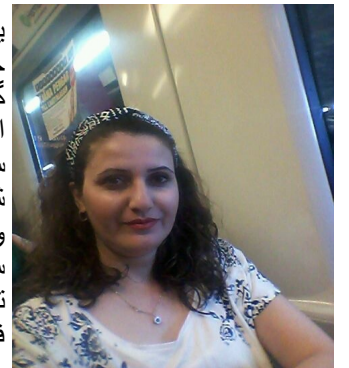
برایش میافتاد ؟ ایا کسی که میتواند درد را جاگزین درمان میکند برای پول طبابت نمیکند بلکه تجارت میکند خودش يك مدل داعش زاده شده در حکومت جمهوری اسلامی نیست ؟ بدونه شك این شخص تحت تعلیم حاکمان مستبد و دزد ایران بوده که جان مردم از كوچك و بزرگ

بیدار شوند و با ایجاد کمپین های مبارزاتی بر دهان این حاکمان دیکتاتور و فاسد بکوبند و با پیروزی به همه حقوق قانونی و مدنی خود برسند .

**به امید بیداری ورهانی و نابودی دیکتاتور دینی تهران**

**دلیل اصلی تنش در خاورمیانه، فقط دعوی شیعه و وهابیت نیست**

سحر باباسجلی



یکی از عوامل که باعث تشنج در خاورمیانه شده می توان گفت گسترش شیعه «جمهوری اسلامی ایران» و «وهابیت» آل سعودی، «اختلاف فی مابین اعدام شیخ نمر و تشنجات اخیر بین ایران و عربستان ریشه این تنازعات، سیاسی بوده و بسیار پیچیدهتر از تحلیل ساده‌انگارانه عده‌ای است که فقط آن را اختلافی مذهبی بین شیعه و سنی می‌دانند.

برخی، اعدام‌های اخیر عربستان سعودی را بخشی از تلاش این کشور در راستای مقابله با اسلام افراطی خوانده‌اند» آل سعودی، اما همه باید به یاد داشته باشند که دین رسمی حکومت سعودی یعنی وهابیت خودش تعبیری بسیار افراط گرایانه از اسلام است و از این جهت، عقاید حکومت این کشور بسیار شبیه باورهای دینی گروه‌های خشونت‌گرایی مانند القاعده و داعش است. به خصوص که در میان اعدام‌شدگان اخیر که به جرم افراط‌گرایی و تروریسم توسط حکومت عربستان اعدام شدند نام روحانی شیعه شیخ نمر النمر به چشم می‌خورد. شیخ نمر یکی از منتقدان بسیار جدی دولت سعودی بود؛ دولتی که دهه‌هاست اقلیت شیعه این کشور را سرکوب کرده است.

نمر طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز بود. شعار سیاسی او «کلمه، نه گلوله!» بود. اعدام او که توسط گروه‌های حقوق بشری سراسر جهان از جمله عفو بین‌الملل محکوم شده است منجر به حمله به سفارت عربستان در تهران و سپس قطع روابط ایران و عربستان شد. از طرفی خودحکومت جمهوری اسلامی هر سال اعدام‌های عقیدتی داردو برای نمونه لیست جدیداسامی ۵۲ زندانی سیاسیء عقیدتی که می توان نام برد۱. زانیار مرادی ۲. لقمان مرادی و.....غیره. از نوع برخورد این دوکشور می توان به این نتیجه رسید که پایه و اساس این حکومت‌های دینی برای تداوم خویش براساس دیکتاتوری بنا ریزی شده و برای این منظور حتی شروع به سرمایه‌گزاری در خارج از قلمرو خویش نمودن و باغارت

سرمایه ملی و خرج کردن آن خارج از دیکتاتوری خویش نموداند که این سرمایه ها صرف نابودی وبه خاک خون کشیدن ملت‌های دیگر امثال سوریه ،عراق ولبنان شده وهمچنین باعث نبودامنیت جهانی و ثروتمندتر شدن ابرقدرت و کشورهای صنعتی. حکومت مثل جمهوری اسلامی ایران که با حمایت و شراکات غارتگران خارجی ملت ایران و خاورمیانه را به خاک خون کشیدن و در پایان میتوان نتیجه گرفت که فقط دین مخرب نیست نوع حکومت دیکتاتوری و نبود دموکراسی و تک حزبی یکی از عوامل اصلی و مخرب است که متأسفانه جوامع سود طلب با شارژ کردن این دیکتاتور‌ها مثل حکومت سعودی و آخوندیه ایران، کشورهای خود و خاورمیانه به خاک خون کشیدن.

**نقش زنان در حکومت های اسلامی  
دل آرام آزمون**



یکی دیگر از گروه های اسلامی که به تشکیل یک حکومت و جامعه اسلامی می اندیشد گروه موسوم به داعش است. گروه جهادگر یا جنایتکار داعش بارفتار دوگانه خود نسبت به زنان بازتاب روشنی از نگاه مکتب اسلامی به جنس زن است.

از یک سو این گروه با زنان رفتاری غیر انسانی داشته و آنها را کالایی برای تجارت میداند و بعنوان پاداش به پیکار جویان هدیه میدهد... بطوریکه بنا بر گزارش بی بی سی حداقل ۲۰۰۰ دختر و زن ایزدی هنوز در اسارت نیروهای داعش هستند. (مطابق آیات قرآن با زنان اسیر رفتار غیر انسانی دارند). و اما از طرف دیگر داعش برای زنان مسلمانی که به مناطق تحت حکومت آنها وارد میشوند به نوعی برنامه ریزی

دارد.

برعکس طالبان والقاعده داعش به بسیاری از زنان غربی که به خدمت گرفته اجازه میدهد که در شبکه های اجتماعی نقش داشته باشند. زنان مجردی که به داعش پیوسته اند در امنیت نگهداری شده و در حالیکه به آنها تعالیم مذهبی القا میشود تلاش همسری هر چه سریعتر برایشان همسری پیدا شود. و اما عده ای از آنها به گردان خنسامی پیوندند

این گردان تنها از زنان تشکیل شده و در شهرهای مثل رقه و موصل گشت زنی کرده و قوانین سختگیرانه را به مردم تحمیل میکنند. افراد این گردان به انجام تنبیهات شدیدی مثل کتک زدن و یا شلاق زدن افرادی که لباس مناسب به تن نمیکنند معروف هستند.

به گفته کارشناسان بسیاری از زنانی که با عبور از مرز ترکیه به مناطق تحت کنترل داعش میروند خیلی زود هر گونه تفکر و تصویری که از شرکت در میادین جنگ با حضور در خط مقدم با کلاشینکف داشته اند نقش بر آب میبینند.

البته اکثریت آنها بسیار جوان و دارای شور و هیجان احمقانه برای جنگ و نیز دارای انگیزه های جنسی و اسلامی برای جهاد نکاح میباشند.

کسانی که در جامعه مدرن غرب حرفی برای گفتن ندارند و در خانواده های مسلمان و عمری با

روبایی با دوگانگی زندگی کرده اند و به تعادل منطقی نرسیده اند. داعش به زنان بعنوان عامل ضروری برای حفظ این گروه مینگرد بدلیل اینکه خود در پی ساختن یک حکومت و خلافت دایمی در مناطق عراق و شام و حتی خاورمیانه است و از زنان بعنوان نیمی از جامعه استفاده میکند. طرز نگاه داعش به زنان مطابق همان نگاه حکومت اسلامی ایران به جنس زن در جامعه است و زنان داعشی که به گروه خنسا میپیوندند و در جهت تنبیه و تأدیب دیگر زنان برمیآیند همانند همان زنانی هستند که به گروه های انتظامات و بسیج و گشت های ارشاد میروند. با همان نگاه و اختیارات که بتوانند با زنان و دختران جامعه خودشان مانند گناهکاران رفتار کنند.

هستند زنانی که در مجلس یا نهادهای دیگر دولتی تشریف دارند و رسماً بدلیل شخصیت دوگانه ای که دارند بازیچه اهداف مسئولان و حاکمان اسلامی جامعه هستند که البته گاهی در حماقت و زیر پا گذاشتن حقوق زنان پیشی میگیرند و سخنرانی هایی میکنند که متحجرین افراد را هم به تحیر و میدارند.

اینان نیز نمونه هایی از زنان خودباخته داعشی هستند که مایلند در یک حکومت ضد انسانی و اسلامی عرض اندام کنند.

اصولاً زن در قرآن و قوانین اسلامی بقدری کم ارزش است که شوهر اجازه دارد (مطابق سوره نسا آیه ۳۴) او را کتک بزند و یا ۴ زن عقدی داشته باشد و تابینهایت کنیز (صیغه) داشته باشد. و در اجتماع هم که اصولاً حقوقی برای زن تعریف نشده است.

سیاست دوگانه حکومت اسلامی ایران نیز چنین است برای نمایش ارزش زنان حضور آنها را در جامعه و دانشگاه ها نشان میدهد از طرفی باحضور گشت های ارشاد و سرکوب بسیاری از حقوق اولیه آنها سعی در جهت به انزوا کشاندن زنان و اسلامی کردن هر چه بیشتر جامعه دارد. ..

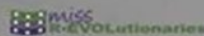
مکتب جامعه اسلامی واقعی همان تفکر ضد علم و دانش است که تنها به تنبیه و تادیب و کشتار و جنگ می اندیشد همانگونه که کاملاً چهره واقعی خود را در مناطق اسلام زده آشکار و هویدا نموده است.

با امید به روزی که همه زنان در همه کشورهای اسلامی ارزش حقیقی خود را دریابند و نه تنها برای خود بلکه برای سایر هم نوعان خود احترامی در خور یک انسان ارزشمند قائل شوند. و جذب هیچ مکتب ضد بشری و اسلامی مانند داعش یا گشت ارشاد یا دیگر نهادهای وحشیانه نگرددند.

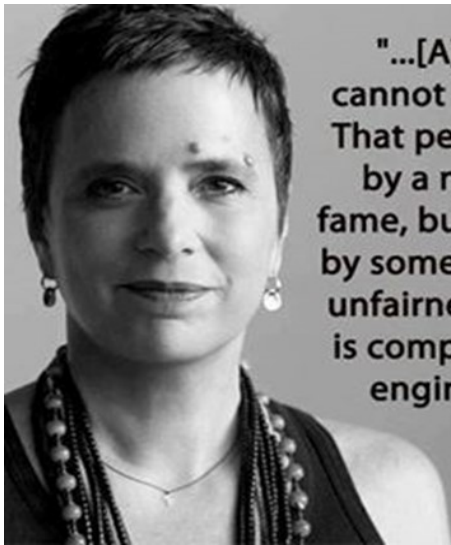
**"[A]n activist is someone who cannot help but fight for something. That person is not usually motivated by a need for power or money or fame, but in fact is driven slightly mad by some injustice, some cruelty, some unfairness, so much so that he or she is compelled by some internal moral engine to act to make it better."**

~ Eve Ensler,

Foreword, *My Name is Jody Williams*



یک فعال کسی است که برای هدفی مبارزه می کند. او شخصی است که معمولاً قدرت، پول یا شهرت انگیزه وی نمیباشد، اما در واقع زمانی که برخی از بی عدالتی ها و ظلم و ستم ها را میبیند برانگیخته میشود به طوری که ارزشهای درونی که به ان باور دارد او را مجبور میکند تا به عملی دست یازد تا آنها (بی عدالتی ها و ظلم و ستم ها) را بهتر کند. "ایو آنسلر نمایشنامه نویس، فمینیست و فعال آمریکایی، که برای نمایشنامه "تک گویی های واژن" که به ۴۸ زبان ترجمه شده جوایز هنری بسیار معتبری را نیز دریافت کرد.



**نگاهی اجمالی به حواشی اخیر شب سال نو در کلن آلمان و استهکلم  
سوئد در رابطه با تعرضات مهاجران و تقابل فرهنگ‌ها**

**آکو رضانی**



موسوم به "we are sthlm" که هر ساله در استهکلم بر گذار میشود بصورت سیستماتیک مورد آزار و تعرض جنسی دسته‌هایی از جوانان پناهنده و متقاضی پناهندگی قرار گرفته اند. در حالی که پلیس سوئد گزارشات ارسالی را مخفی نگه داشته اما روزنامه دان مینویسد که: تعداد افرادی که در جریان این فستیوال به دنبال تعرض جنسی به چادر پلیس مراجعه نموده و شکایت تسلیم کرده اند رکورد اسما بوده به نوشته این روزنامه این واقعیت که اکثریت این افراد از دختران جوان تشکیل شده بود، در گذارش پلیس حذف و مخفی شده است که کمترین میزان سنی آنها ۱۱ ساله بوده است، و عاملین افراد موسوم به پناهندگان نوجوان و عمدتاً از کشور افغانستان هستند. به گفته یکی از قربانیان (انا ۱۵ ساله) این واقعه که خود در بطن ماجرا بوده و حوادث را لمس کرده او می‌گوید به مجرد اینکه وارد جمعیت می‌شدید دست درازی‌ها شروع می‌شد، دختران را در یک حلقه محاصره قرار می‌دادند، او همچنین گفته که یکی از دوستانم زمین خورد که این باعث شد و آنها خود را بر روی او می‌انداختند، و نکته‌ای که انا نیز تأیید کرده مهاجمان از کشور افغانستان بوده‌اند. علی‌رغم میل باطنی که نمی‌خواهم به دین و مذهب بیردازم این رویدادها عجیب‌ریشه

آمار جرائم مرتکب شده در جریان جشن‌های شب سال نو در شهر کلن به ۵۱۶ مورد رسیده که ۴۰ درصد آنها تعرض جنسی بوده است. پلیس آلمان روز جمعه اعلام کرد که ۱۸ نفر از ۳۱ فرد مظنون به دست داشتن در حوادث شب سال نو در کلن پناهجو هستند، که ملیت ۵ نفر از آنها نیز ایرانی است. این رخداد بازتاب گسترده‌ای در آلمان داشت، کشوری که در سال گذشته میلادی درهای خود را بر روی پناهجویان باز کرد، تا جمعیتی حدود یک میلیون و صد هزار نفر وارد خاک آن شوند. پلیس سوئد نیز اعلام کرده که دست کم ۱۵ زن جوان در شب سال نو میلادی در شهر کلمر مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. و به نوشته روزنامه دان که در روز یکشنبه فاش نموده که: دختران و حتی پسرهای جوان به مدت دو سال در جریان بزرگ‌ترین فستیوال موسیقی اروپا

هایشان در فرهنگ و دین و مذهب و نگرش جوامع اسلامی گره خورده، به آمارها نگاهی بیندازیم ۹۵ درصد متجاوزان از کشورهای اسلامی هستند حتی ایرانی‌ها نیز به نوعی سهمی دارند ولی از نظر بنده بسیار نرمال است از این جهت که اگر چنین نبود جای بسی شگفتی وجود داشت از آنجایی که خود در ایران دوران نو جوانی و جوانی را در ایران سپری کرده‌ام به راحتی می‌توانم این حوادث را آسیب‌شناسی نموده و بشناسم، ما در ایران یا تمام جوامع اسلامی انسان بودن را دسته‌بندی می‌کنیم و اساساً آنها را با جنس نر و ماده می‌شناسیم و این امر باعث تفکیک جنسیتی در همان سنین کودکی شده که کودک از همان دوران با پارادوکس جنس مخالف آشنا می‌شود و همین مقدار کافی است که ذهن کنجکاو یک کودک درگیر چنین مسائلی گردد یعنی کودک در همان دوران می‌پذیرد که انسان‌ها را نه با ادمیت بلکه با جنس آنها یعنی نر یا ماده بشناسد و طبیعتاً که موجوداتی که در چنین جوامعی رشد یافته باشند وقتی که دست بر قضا سر از اروپا در آورد درگیر چنین فجایعی می‌گردد. چیزهای که در جوامعی مانند اروپا خیلی پیش پا افتاده هستند چون آنها فرزندانشان در تمام سطوح تحصیلی با هم هم‌شاگردی هستند و کمک‌ها با یکدیگر و جنس مخالف آشنا می‌شوند و به ندرت دچار تحریک و دید جنسیتی می‌گردند، ولی در ایران و سایر کشورها به ظاهر مسلمان قضیه به این راحتی که ذکر شد پیش نمی‌رود

و کودک از ابتدا به دنبال و کنجکاو از چیزی که منع شده و از دست رس خارج بوده می‌رود که ذهن پرسش‌گرش را آرام نماید. به نوبه خود ابراز شرمندگی می‌کنم و از طرف خودم از قربانیان این حوادث عذرخواهی می‌کنم. بهتر است قدری با خودمان صادق باشیم و واقع‌بینانه بپذیریم که ایرانی‌ها به تاریخ و هویت و فرهنگش می‌بایندیم دیگر وجود خارجی ندارد، چون اخوند‌ها نسل‌های جدیدی برای ایران و ایرانیان تربیت کرده‌اند، نسل‌هایی که تجاوز و تعرض به دختران نوجوان و جوان شاهکار کوچکشان است و این قضیه در ایران نیز بسیار بسیار رایج است و به کرات مشاهده نموده‌ام حتی فیلم‌های زیادی مربوط به ایران و دیگر کشورهای مسلمانان از این دسته در اینترنت و فضای مجازی به وفور دیده می‌شود و این یکی از آسیب‌هایی است که جامعه ما به آن گرفتار است، اما خوشبختانه با مقداری آموزش و فرهنگ‌سازی قابل درمان است

امیدوارم حد اقل هم میهنان عزیزم این ذهنیت را داشته باشند که اگر در چنین شرایطی قرار گرفتند فقط به اون لحظه خودشان فکر نکنند بلکه بدون که نماینده یک کشور ۸۰ میلیونی هستند چه بسا از روی رفتار اشتباه من جامعه ایران عزیزمان را قضاوت می‌کنند و من نماینده کشورم هستم.

با آرزوی پیروزی و آزادی کشورمان از بلای خامنه‌ای و دیگر اخوندک‌های مکار.

به عمل شیخ و غیر انسانی اهدم با پایان دهید

بچه کس حق گرفتن جان انسان دیگری را ندارد

در کشوری که زن حق انتخاب لباسش را ندارد، حرف زدن از

انتخابات آزاد یک فریب بزرگ است.

ندای زنان ایران

بخش «ویلیکیچ نمین «اردبیل، روستایی در محدوده جغرافیایی خود دارد که مدتی است به غیرت یکی از مادران خود شهرت یافته؛ زنی که ساخت بلوک ماسه‌ای را به عشق تأمین خانواده به گردن گرفته است.

۱۵ سالگی‌اش را استثنائاً خوب به یاد دارد؛ سالی که ناخواسته عروس می‌شود. اما برخلاف دخترهای دیگر روستا، این فرصت را داشته که قبل از عروسی بداند داماد کیست و او را دیده باشد.

ساوالان خیر به نقل از مهر نوشته است که دختران روستای «گرمه چشمه» از محوطه حیاط خانه‌هایی که چندان باهم فاصله ندارند، دورتر نمی‌روند مگر برای درس خواندن، آن‌هم تا ششم ابتدایی و یا به خانه بخت رفتن.

می‌گویند اما «مهلقا عیوضی» کاری می‌کند که هیچ زن روستایی حداقل در اردبیل آن را به دوش نگرفته است. او سال‌ها است که کمر همت بسته تا یکی از شغل‌های سخت مردانه را به‌تنهایی انجام دهد و گاهی فراموش کند که قدرت دست یک مرد را ندارد.

مهلقا می‌گوید ۴۷ سال دارد اما در ستاره‌های خستگی و ملالتی که ته چشمانش دیده می‌شود، بیش تر از این‌ها نشان می‌دهد. از وقتی عروس شد می‌گوید: «داماد از اقوام دور بود و گرنه دخترها اجازه ندارند تا روز عروسی همسر خود را ببینند.»

روستا این عادت خود را هنوز ترک نکرده است. بیش از نیمی از صندلی‌های دانشگاهی را در ایران دختران به دست می‌آورند و این روزها حضور اجتماعی زنان رو به رشد است اما روستای گرمه چشمه همچنان دختران ۱۳ - ۱۴ ساله خود را عروس می‌کند. تنها مدرسه روستا تا ششم ابتدایی پاسخ گو است و کدام خانواده‌ای امکان مالی دارد که دخترش را به روستای «نیارق «یا» شهر آبی

بیگلو» نزدیکی روستا بفرستد. زن همسایه می‌گوید: «از ترس این که دختر از راه به در نشود، زود شوهرش می‌دهیم.»

مهلقا هم دو دخترش را همین‌طوری در سن پایین شوهر داده است و هنوز یک دختر و یک پسر مجرد در خانه دارد. تمام تعریف زنانگی روستا خیلی ساده در دختری و بعد مادری خلاصه مانده است و این سرنوشت در ذهن و عاطفه زنان روستایی که اغلب آن‌ها دوش‌به‌دوش همسران خود به کارهای سخت دامداری، چوپانی، کشاورزی و پخت‌وپز غذاهای سنتی مشغول هستند، نقش بسته است.

مه لقا همین‌طور که حرف می‌زند، ماسه‌ها را روی هم می‌ریزد، آب می‌دهد و آماده می‌کند تا اعجازی بسازد که سال‌ها انگشت حیرت بر دهان زنان روستاو شهرنشین‌هایی که از جاده روستا عبور می‌کنند، برده است.

هزاران حرف و حدیث. گره زندگی مهلقا اما به همین کار بسته بود: «در روستایی که نه مرغداری، نه دامداری، نه صنایع‌دستی، نه پرورش شترمرغ، نه پرورش قارچ و هیچ و هیچ ندارد، کاری ازم بر نمی‌آید.»

معیشت اصلی روستا دامداری و کشاورزی است اما اگر زمینی نداشته باشی و چارپایی برای نگهداری، نمی‌توانی زندگی‌ات را بچرخانی. همین‌ها باعث می‌شود شغل همسرش را ادامه دهد و وقتی می‌بیند شویش توان ادامه کار ندارد، به‌تنهایی دست‌هایی که نرم و لطیف تعبیر می‌شوند را از سر غیرت به‌سختی وزمختی ماسه‌ها بسپارد.

۱۵ سال است یک کار سخت را به دوش کشیده و گاهی مردها را متحیر ساخته است. تمامی آرزوهای مهلقا در ۱۵ سال بعد با یکی‌یکی این بلوک‌ها عجین بوده و هر وقت با سرد شدن هوا، آسمان کدر ابرهای خود را به



زمین رساننده و خبر رسیدن پاییز و زمستان را آورده، مهلقا ناخواسته مجبور شده دست از کار بکشد و به آرزوی داشتن یک سوله بلوک‌زنی، از اداره‌ای به اداره دیگر برود و به حدی کاغذهای رنگ‌بهرنگ روی میزها جابه‌جا کند که خسته‌تر از وقتی که بلوک‌های سنگین را جابه‌جا می‌کند، از شهر به روستا بازگردد.

درحالی‌که با دستگاه خود کار می‌کند، می‌گوید: «همسایه‌ها

مواد اولیه‌اش را در قالب‌ها خالی می‌کند. از ۱۵ سال قبل که همسرش دچار مشکلات جسمی شد، با خودش گفت: «نمرده‌ام که، خودم بلوک می‌زنم.»

زن‌های همسایه از سر تعجب، شاید حسد و شاید هم دلسوزی مانعش شدند. گفتند کم‌تر زیر این کار می‌شکنند. گفتند آبرویت می‌رود اگر مرد غریبه تو را ببیند که داری بلوک می‌زنی. گفتند کارگر بیایوری، به دخترهای ما نگاه بد می‌کند و

نگذاشتند کارگر غریبه بیایورم. با این حیاط کوچک هم نمی‌توانم کارم را زمستان‌ها ادامه دهم. فقط امید بسته‌ام به تکه زمینی که کنار خانه خریدم که اگر آب و برقش را بدهند، آن جای یک سوله بزنم و زمستان‌ها هم کارکنم.

داماد کوچک‌تر مهلقا برایش کار می‌کند اما پسرش ترک روستا کرده و رفته است به خاطر این که نمی‌شود بی کار نشست و انتظار داشت سر سفره‌ات نانی بیاید: «هنوز نتوانسته‌ام عروس بیایورم. با این وضع مالی نمی‌شود. شش ماه از سال کار می‌کنیم، شش ماه دیگر را با قرض کردن از این‌وآن زندگی می‌گذاریم. آن‌هایی که در شهر هستند بیایند ببینند که حتی وام خانه‌ام را نمی‌توانم پس بدهم. هر قدر تلاش کرده‌ام و تن به‌سختی داده‌ام، نمی‌توانم با هزینه‌ها کنار بیایم. خیلی‌ها آمدند از کارم عکس و فیلم بگیرند اما حتی این آمدن‌ها گری‌ای از مشکلاتم باز نکرده است.

مهلقا بلوک‌ها را آماده کرده و چیده است. قرار است بیایند و ببرند: «حالا که آب و برق و بنزین گران‌تر شده، بلوک‌زنی هم صرف نمی‌کند. خیلی کم‌تر از قبل می‌خرند. مجبورم که بلوک بزنم، کار دیگری نیست که خرج زندگی را در بیایورم.»

دست‌های مهلقا از دستکش که بیرون می‌آید، چین‌وچروک‌های غیرتی مثال‌زدنی عیان می‌شود. زنان روستایی تن به‌سختی می‌سپارند و سختی را بخشی جدانشدنی از زندگی خود می‌دانند؛ به‌خصوص اگر چرخ

زندگی سخت بچرخد. «نوس بهنود»، خبرنگار مهر نوشته است: «بلوک‌های زندگی مهلقا آماده تحویل مشتری است. ابرها به تن خسته زمین رسیده‌اند و کدریشان با خاک سیاه یکی شده. مهلقا بدرقه‌ام می‌کند و پشت پنجره کنار گل‌های شمعدانی‌اش به دوردست جاده چشم می‌دوزد. هنوز می‌توانم ستاره‌های نگاهش را بخوانم؛ ستاره‌هایی که سختی روزگار را شرمسار می‌کند.»

در کشور من جنگ است ولی امن تشخیص داده شده و رئیس  
جمهور اشرف غنی افغان ها را دعوت به بازگشت یا بهتر بگویم  
به مردن می کند!  
یوسف (حیات) حسنی

سازمان ملل : در جنگ قندوز ۲۸۹ غیرنظامی کشته شدند  
دفتر هیات کمک سازمان ملل در افغانستان (یوناما) گفته است که در  
درگیری میان نیروهای امنیتی افغانستان و مخالفان مسلح در ولایت  
قندوز در شمال شرق افغانستان ۲۸۹ غیرنظامی کشته شدند.

وقتی به اخبار منتشره در رسانه های معروف جهان یا به گزارشات  
سازمان های معتبر مثل سازمان ملل نگاه میکنیم مبینیم افغانستان هم  
مانند سوریه و عراق در جنگ مستقیم قرار دارد شهر قندوز تصرف می شود و ۲۵ روز طول می کشد تا پس  
گرفته شود و صد افسوس که با قتل عام مردم و غارت و ناامنی و هزاران مصیبت و بدبختی همراه بود .  
وقتی در روز روشن سر میبرند ؛ آتش میزنند ؛ سنگسار می کنند و... بسیاری از معضلات دیگر چطور امن  
تشخیص داده می شود

در حالی این مطلب را می نویسم خبر حمله به مهمانخانه اسپانیایی و کشته شدن اتباع آن کشور را در اخبار  
مشاهده میکنم که می توان گفت که کشور افغانستان برای اروپایی ها یا به نوعی کشور هایی که امنیت را در  
افغانستان می بینند خود در حال تلفات دادتن هستند و به جای پرداختن به اصل معضل و مقابله با عوامل  
شرارت و نا امنی که به نوعی در تمام حالات به تفکر مذهبی و سنتی دینی بر می گردد . بله باید قبول کرد  
که مردم مظلوم افغانستان قربانی فضاوت ها نا عادلانه در خارج و قربانی گروه های تندرو مذهبی که بخش  
زیادی به بدنه حکومت نفوذ کرده و سنت و مذهب اصل بوده و به انواع مختلف با چاقوی قوانین اسلامی سر مردم را میبرند.  
ما مردم افغانستان باید بیدار بشویم و صدای خود را به گوش جهانیان برسانیم و در حقیقت فریاد تمام زنان کشته شده زیر سنگ و مشت و لگد  
و کودکان معصوم که قربانی جهل بزرگان مذهبی شدند .



End of Year News from

## The Organization of Women's Freedom in Iraq

# Defeat of ISIS Begins But with a Heavy Price in Iraqi Lives!

Right now, as the news media reports progress in the military effort against Daesh (ISIS) in Ramadi and elsewhere, **we are receiving first-hand reports of the horrible atrocities** they are committing, even as they retreat. Using women and children as human shields; burning women for "witchcraft"; killing men for suspicion of being homosexual; and many mass executions in Hawija, South of Mosul and elsewhere. It will take many years and resources for the survivors in these areas to recover and rebuild their lives.

In response to this devastation, **we in OWFI are rapidly expanding our outreach and sheltering capacity**. We are currently opening new safe and respectful facilities to shelter victimized women in Iraq's southern and western regions. We are also continuing to work diligently against bureaucratic red tape to open a shelter in the north for Yazidi women who have escaped sexual slavery under Daesh.

In addition, we are using our unique position as a grassroots organization with activists and allies across Western Iraq to carefully collect and document reports of the abuses committed by Daesh. These reports will be shared with national and international bodies **to ensure that these atrocities are not forgotten, that one day justice will be served** against the terrorists and compensation made to the victims.

Through all the war and darkness of the last years, OWFI has continued to help victimized women and fight for women's human rights to be honored in Iraq. We have greatly expanded our sheltering in 2015, while simultaneously keeping up the political work - protests, meetings, building alliances - that is required to make lasting change for women possible.

**We are grateful for all your past donations, and hope you will continue to support us now** as we plan for the future. There is so much work to be done.

Wishing you a peaceful and happy New Year.  
Wishing for peace and dignity for all in Iraq.

~Yanar Mohammed, President, OWFI

<https://mail.google.com/mail/?tab=wm#inbox/1521b76babdcd83b>

**پیش خرید کودکان در شکم  
مادران کارتن خواب و همچنین  
سیستم پزشکی بیرحم !**



**فرشته نظام آبادی**

باید اعتراض ما علیه سی و چند سال حاکمیت جنایتکار رژیم اسلامی که منجر به تباهی کشیده شدن زندگی زنان و کودکان و همه مردم، در نظامی که همانند داعش ارزشی برای جان انسانها در سیستم قضائی و در کل سیاستهای حتی در نظام پزشکی ارزشی قائل نیستند باید بزرگ کشیده شده و محاکمه شود و همه ما صدایی باشیم علیه سیستمی که حتی به یک بچه چهار ساله هم رحم نکردند بدلیل عدم توانایی مالی خانواده اش برای پرداخت هزینه بخره، چانه او را شکافته و خونین رهایش می کنند و این فقط بر می گردد به عمق فاجعه و انعکاس ماهیت ضد انسانی حکومت جنایتکار و داعشی جمهوری اسلامی بر جامعه

کارتن خواب به مبلغ یک میلیون هفت صد پنجاه هزار تومان پیش خرید می شوند .  
زنان در ایران حتی در صورت داشتن مدارج بالایی دانشگاهی هم شانس کمی برای اشتغال و ایجاد یک زندگی موفق برای خود دارند سیاست هایی که مجلس و رهبری جمهوری داعشی ایران دنبال می کنند در جهت خانه نشین کردن زنان واز میان بردن استقلال مالی آنهاست ،هر چقدر که از سطح رفاه و آموزش زنان کم می شود بر میزان نا هنجاریهایی که آنها را احاطه می کند افزوده می شود و روز بروز به جای توانمند سازی زنان سیاست ها در جهت ناتوان تر ساختن آنها و محدود کردن امکان اشتغال و تبلیغ برای افزایش فرزندآوری و تبدیل آن به امری اجباری هر روز ه خبری از محدودیت های بیشتر مثل ممنوعیت و حذف نوازندگان و همسران زن و ناوختن پای زنان ممنوع در اخر

خانماني و افزایش انواع جرمي حكايت مي كنند كه در ارتباط مستقيم با رشد بيكاري و فقر در ايران است . علاوه بر افزایش شمار زنان متعاده ،سن شروع اعتياد نیز به طور مداوم کاهش مي يابد و ميانه گين سن شروع اعتياد در بين دختران به سيزده سال رسیده که از مهمترین چالش هاي کشور در امور زنان و خانواده است افزایش فقر و اعتياد در میان زنان ،حواشي فاجعه باري نیز به همراه دارديكي از نمونه هاي آن که سالهاست وجود دارد اخيراً" اخبار مربوط به خريد و فروش نوزادان در اطراف بیمارستان ها ،که نوزاد خود را با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان می فروشند و اکثر این نوزادان مبتلا به Hiv و بیماریهای دیگر هستند و از آنها نگهداری درستی نمی شود و طول عمر کوتاهی دارند. واز آن هولناکتر اینکه کودکان قبل از به دنیا آمدن و در شکم مادران

معضل زنان متعاده و بي خانمان ،يك معضل اجتماعي عميق در ايران است كه ريشه آن به سياستهاي سه دهه اخير بر ميگردد و آمارهايي كه از افزایش میزان اعتياد ، فحشا ،بي

### امروز گل دریافت کردم

ترجمه شعر: آرزو آریاپور



امروز گل دریافت کردم.  
نه تولدم بود نه روز خاص دیگری.  
دیشب اولین درگیری مان اتفاق افتاد و او حرفهای بدی زد که خیلی مرا آزد.  
میدانم که حتمن متاسف است، برای همین امروز برایم گل فرستاده.  
امروز گل دریافت کردم.  
نه سالگرد ازدواج مان بود نه روز خاص دیگری.  
دیشب او مرا به سوی دیوار پرتاب کرد و شروع کرد به فشردن گلویم. مثل یک کابوس بود، نمیتوانم باور کنم که حقیقت دارد. امروز صبح دردمند و زخمی از خواب برخاستم. میدانم که حتمن متاسف است، برای همین امروز برایم گل فرستاده.  
امروز گل دریافت کردم.  
نه روز مادر بود نه روز خاص دیگری.  
دیشب دوباره مرا زد و این بار بدتر از همیشه بود. اگر ترکش کنم چه؟  
چطور از پس نگهداری از فرزندانم برایم؟ پول چطور؟ از او میترسم و از ترک کردنش وحشت دارم. اما میدانم که حتمن متاسف است و برای همین باز هم برایم گل فرستاده.  
امروز هم گل دریافت کردم.  
خیلی زیاد. امروز روز خاصی بود، روز خاک سپاری ام. دیشب بالاخره مرا کشت. تا سر حد مرگ زدم. فقط اگر میتوانستم کمی شجاع و محکم باشم و ترکش کنم امروز دیگر گلی دریافت نمی کردم.

مردان حقیقی زنان را نمی زنند.

به خشونت خانگی پایان دهید.



نوگ کوه یخ آزار جنسی ادامه صفحه ی

از مجموع ۱۱۱۱ پناهجوی سوری که در شهر کلن ثبت نام شده اند تنها ۵ نفر مرتکب تخلف شده اند که در دفاتر پلیس کلن ثبت شده است. این پنج مورد کمتر از نیم درصد است. از ۶۶۰ نفر پناهجوی افغان ساکن کلن تنها ۴ مورد تخلف ثبت شده است. از ۷۸۹ پناهجوی عراقی آمده به شهر کلن ۱۹ نفر مورد بازجویی پلیس قرار گرفته اند و از ۲۹۴ پناهجوی ایرانی، تنها ۹ نفر به تور پلیس افتاده و نامشان در دفاتر پلیس کلن قید شده است. در میان ۵۲۱ پناهجوی آمده از مراکش میزان ارتکاب تخلف ۴۰ درصد است.

اولین واکنش از سوی پناهندگان این بوده که یک متن عذرخواهی برای تعرض به زنان شب سال نو و همراه دادن گل به زنان اروپایی این عمل را محکوم کردند که عمل غیر انسانی بوده و باید با مجرمین برخورد بشود. واقعیت اینکه دستی که برای تعرض به زن دراز می شود باید کوتاه کرد و توبیخ شود. ولی چاره کار اخراج پناهندگان از کشور نیست. مثل این است که یک کودکی که مرتکب خطایی شده باشد از مدرسه اخراج کنند و در دل جامعه رها کنند و بگویند هرکاری می خواهی بکن. به نظر من علاوه بر توان دارد کارش باید این آدم ها تحت درمان قرار بگیرند. اینها در کشورهای بودند که مردسالاری به شدت نهادینه شده و قوانین بر علیه زن هستند. در پاکستان زنی به جرم داشتن یک موبایل سنگسار می شود و این مردها در آن جامعه ۳۰ یا ۴۰ سال با آن تفکر بزرگ شده و باید این آدم ها تحت درمان قرار بگیرند. مثلا چند سال پیش یک خانم ایرانی که پارتنر (دوست پسر) عراقی داشت. پارتنرش صورتش را مثله (بریدن) می کند و بعد به کشور خودش فرار

می کند بدون اینکه مجرم شناخته شود. وقتی کسی از کشور خارج می شود یعنی تو مجاز هستی که در کشور خودت به زنان کشور خودت تجاوز کنی ولی در اروپا نه. با توجه به اینکه در اروپا هم این اتفاق می افتد.

در سوریه الان در دو شهر بنام کفریا و فوعه هست که ۴۲ هزار نفر در معرض گرسنگی هستند که تحت محاصره حزب الله که ایران هم از آن حمایت می کند. هزاران زن و کودک و مرد دارند از گرسنگی می میرند. مگر می توان در را به روی آنها بست به جرم اینکه مسلمان هستند. آنها خودشان قربانی این نظام مردسالار و اسلام هستند. داعش صدها زن را به بردگی جنسی می گیرد و در بازار می فروشد و از این راه تجارت می کند و سودهای کلان می برد.

با وجود با اینکه این موج تأثیر منفی داشته ولی باز بر اساس یک نظرسنجی با تمام این تبلیغات و کارزار ضد پناهندگی، ۶۰ درصد مردم آلمان پس از وقایع شب سال نو در کلن همچنان دید مثبتی نسبت به خارجیان دارند. ۳۷ درصد پرسش شوندگان گفته اند که پس از این واقعه دیدشان نسبت به خارجی ها منفی تر شده است. و دولت موفق شده که نفرت پراکنی کند. که باید سرسختانه جلوی این نفرت پراکنی علیه خارجیان ایستاد و جلوی آن را گرفت.

تعدادی از زنان که حتی برای پناهندگان کار می کنند در سیاستی که دولت آلمان در پیش گرفته همراه شدند. ولی یک بخش دیگر به این مسئله معترض شدند که این یک نگاه ضد انسانی هست. و فکر می کنم آنچه که ضعف خود دولت بوده و نتوانسته امنیت زن ها را تامین کند دارد با یک مسئله ی دیگر پوشش می دهد. و این نشان می دهد که زنان در کشورهای اروپایی هم مورد تعرض قرار

می گیرند و ما چقدر نیاز داریم که بر علیه فاشیسم و سکسیزم مقابله کنیم. وقتی می گویم از هر ۷ زن یک زن مورد تعرض قرار می گیرد نشان می دهد که ضعف وجود دارد و زن باید احساس امنیت کند و مکان های حمایتی و حقوقی بیشتر باشد که دیگر شاهد این مسایل نباشیم.

**۵) واکنش جریانات دست راستی و ضد مهاجر در آلمان به این وقایع چه بوده است؟**

وقتی این خبر پخش شد در روزنامه ی (زود دوپچه زایتونگ) تصویر پاهای لخت زنی رو کشیده که یک دست سیاه که اندام تناسلی این زن رو لمس می کند. در روزنامه ی دیگری بنام فوکوس چیزی مشابه اون که یک زنی لخت که تصویر پنجه های سیاه در تمام قسمت های بدن زن رو لمس می کند. در اروپا با وجود اینکه پلیس هنوز در حال تحقیق است و هنوز کسی را بعنوان مجرم نتوانسته دستگیر کند ولی این کاملاً از یک نگاه ضد انسانی فاشیستی نشأت میگیرد و از طرفی گروهی بنام پگیدا که نئونازی ها هستند بر علیه پناهندگان و خواستار اخراج پناهندگان و بستن مرزها بروی آنها بودند که خوشبختانه تعداد اونها خیلی نبود. از سوی دیگر سازمان های پیشرو هم بودند که خواهان این بودند که درهای کشورمون باید باز باشد و ما از آنها استقبال می کنیم ولی باید جامعه را از سکسیزم و فاشیسم پاک کرد. و یک گروه مترقی زنان چپ آلمان بیانیه ای دادند که خواهان محکومیت عاملان آن و همینطور سهل انگاری و کم کاری پلیس شدند و امنیت زنان در جامعه باید تامین شود.

به این نفرت پراکنی باید مقابله کرد و پایان داد چون اگر اینطور پیش برود هر زمان که یک اتفاقی یا جنایتی صورت می گیرد اولین نگاه ها به سمت زنی می رود که روسری سر کرده و یا مسلمان است و او را مجرم خطاب کند. و این نگاه خطرناک است و

می تواند عواقب بدی در پی داشته باشد. در کرواسی رئیس جمهوری ش گفته برای اینکه زنان مان در امنیت باشد مسلمان ها را راه نمی دهیم. ولی باید جلوی این ها ایستاد. ولی تاکنون پلیس هیچ خبر موثقی در این رابطه بیرون نیامده اینکه چه کسانی بودند. و تاکنون کسی رسماً دستگیر نشده و باید منتظر اخبار بعدی بود. ولی مهمتر از آن اینست که هر زنی که مورد تعرض قرار می گیرد باید احساس امنیت کند که بتواند اعلام جرم کند و احساس امنیت کند. از سوی دیگر باید خواهان پایان دادن به فروش سکس در کشورهای اروپایی بود که از سود مالیات و فروش سکس پول های کلانی به جیب می زند، شد.

**شراره عزیز از با سپاس از اینکه نظرت را با بینندگان ما سهیم شدید.**  
منم از شما متشکرم که این فرصت را به من دادید.

لینک:

<http://ra-haizantv.blogspot.com/2016/01/organized-sexual-attacks-on-women.html>

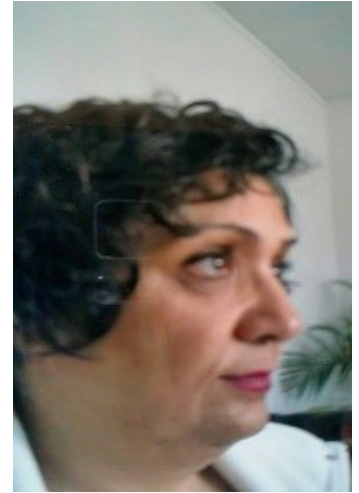
<https://youtu.be/L9uN5J5f15U>

به سازمان رئای زن بپیونید

منظر نوشته های ما، مستقیم

<http://rahaizantv.blogspot.com/>

## گزارش: سیاست‌های جمهوری اسلامی، باعث ایجاد زمینه خشونت علیه زنان مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و مدافع حقوق زنان



خشونت علیه آنان می‌شود» متوقف شود.

هادی قائمی، مدیر کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، گفت: «اگر مقامات دولتی مشخص نکنند که هر شهروندی که خودسرانه با اعمال خشونت سعی در اجرای حجاب زنان داشته باشد مرتکب عملی غیرقانونی شده و به اشد مجازات قانونی خواهد رسید، می‌توانیم انتظار تکرار این اتفاقات دهشتناک را داشته باشیم».

وی اضافه کرد: «دعوت به اجرای فراقضایی امر به معروف هر زن ایرانی را با خطر حملات خشونت‌آمیز روبه‌رو می‌کند. این نه تنها نقض فاحش قوانین ایران و قوانین بین‌المللی است، بلکه تهدیدی مستقیم برای جان زنان ایرانی است».

نمایندگان مجلس ایران در ادامه مصوبات خود درباره طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» روز سه‌شنبه، ۱۴ بهمن، تصویب کردند که نه تنها ایجاد مانع در برابر امر به معروف و نهی از منکر «جرم» خواهد بود، بلکه قوه قضائیه باید شعبه ویژه‌ای نیز برای حمایت از «آمران به معروف و ناهیان» از منکر اختصاص دهد.

این مصوبه نمایندگان مجلس در حالی است که در ماه‌های گذشته برخی از نهادهای حقوق بشری و رسانه‌های منتقد حکومت ایران تصویب طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» و همچنین گفته‌های برخی روحانیون سرشناس در این باره را زمینه‌ساز اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان و حمله به زنان در جهرم و ضرب و جرح آنها با چاقو دانسته‌اند.

بیش از ۲۴۰ تن از فعالان مدنی ایران در آبان‌ماه با انتشار بیانیه‌ای به حملات اسیدپاشی در اصفهان و تصویب طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» اعتراض کرده

با درودی بیکران حضور هموعان عزیزم در سراسر جهان

بار دیگر در مورد ظلم و ستمی که بر بانوان ایران زمین از طرف رژیم دیکتاتور ایران روز به روز رو به افزایش است با شما در میان می‌گذارم.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران در گزارشی اعلام کرد که طرح‌های مجلس، سیاست‌های حکومت و «بیانات عمومی» مقامات حکومتی و روحانیون عالی‌رتبه وابسته به جمهوری اسلامی «فضایی مساعد برای خشونت علیه زنان» ایجاد کرده‌اند.

آن طور که در وبسایت این کمپین آمده است، این گزارش که روز ۱۵ اسفند با عنوان «خشونت خودسرانه:

اسیدپاشی‌های ایران و حمله حکومت به حقوق زنان» منتشر شده، همچنین موارد مورد اشاره را «زمینی حاصلخیز برای حمله‌های مرتبط با اسیدپاشی در ایران» خوانده است.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران در آستانه روز ۸ مارس، روز جهانی زن، درخواست کرد که طرح «امر به معروف و نهی از منکر» در مجلس ایران

«به نیروی بسیج امکان نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان را می‌دهد و منجر به

و این اقدامات را نشانه‌ای از افزایش خشونت علیه زنان و ایجاد حاشیه امن برای خشونت‌گران دانستند.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران همچنین از قوه قضائیه ایران خواست که تمام تلاش خود را به کار گیرد تا عوامل اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای علیه زنان در ایران که بر اساس شواهد با موضوع حجاب زنان «مرتبط» بوده را شناسایی کرده و آنان را به دست عدالت بسپارد.

موضوع اسیدپاشی به گروهی از زنان در اصفهان، پس از گذشت نزدیک به پنج ماه هنوز فرجامی نیافته و خبری از دستگیری عامل یا عوامل آن منتشر نشده است.

حسین اشتری، جانشین فرمانده نیروی انتظامی ایران، یکم بهمن گفته بود که فعلاً خبری از دستگیری عامل یا عاملان این اسیدپاشی‌ها نیست.

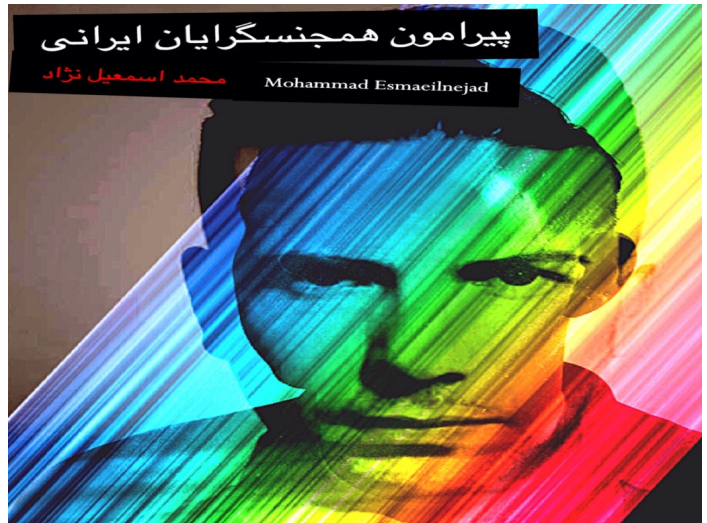
کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران در گزارش خود همچنین به سایر «طرح‌های حکومتی» (که به گفته این کمپین در «تحدید» حقوق زنان در حوزه‌های تحصیل، اشتغال، بهداشت باروری و مشارکت در عرصه عمومی نقش داشته‌اند اشاره کرده است.

کمیسون فرهنگی مجلس ایران طرحی به نام «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» تصویب



**نگاهی به اشکار سازی ( کامینگ اوت ) همجنسگرایان و دوجنسگرایان در جوامع مختلف**

محمد اسمعیل نژاد



جامعه ایران با در نظر گرفتن تمامی این مشکلات به سه شکل اصلی به زندگیش میپردازد. اول این که تمامی این مشکلات را نادیده میگیرد و مورد تمامی این ازار و اذیت های مختلف قرار میگیرد و جز قبول چیزی که نیست ادامه میدهد که مشخصاً اینده برای او همچون روحش مرده است و تبدیل به فردی زائد میشود. دوم این که در خفقان و ترس و تنهایی از آنچه که کوچکترین حق اوست یعنی حق وجودیتش در جامعه فرار و ان را پنهان میکند. دست و پا میزند که باز همچون مثال اول بدون اینده و تمرکز بر زندگی ادامه میدهد و در آخر خود را به دست تقدیر تاریکی که برای خود ساخته میسپارد که این تقدیر در آخر یا به لو رفتن هویتش می انجامد یا از بی هویتی و سکوت در گذر زمان از بین میرود.

و سوم این که در نهایت مجبور به تبعید اجباری خود از جایی که متعلق به انجاست میشود و تمامی سختی ها و روح صدمه دیده اش را به اجبار وارد بازی جدید فرار و زندگی جدید در مکانی که فقط و فقط فکر میکند میتواند اسوده و آرامش را تجربه کند میشود به همه سختی ها تن میدهد.

گذر عمر و تلاش در راستای فرار از جامعه ای که در آن هویت جنسی افراد و روابط احساسی ان ها انچنان اهمیت دارد که این گونه فجایع در ان میشود شاید به هیچ عنوان مورد اهمیت نباشد بسی این که افراد با هویت های جنسی متفاوت در کشور های پیشرفته غربی بدون ترس و خفقان مشغول پیشرفت و پیش برد اهدافی که میخواهند هستند و دولت و مردم هم بدون در نظر گرفتن افکار متفاوت به انها با دادن هویت انسانی و حقوقی و علمی کمک میکنند تا در جامعه دارای برابری و در راه رسیدن به اهدافشان موفق و مفید باشند..

آشکار سازی در جوامعی همچون ایران جز طرد شدن از تمامی حق و حقوق انسانی و در نهایت مرگ چیزی به دنبال نخواهد داشت و این باعث شده که بیشتر افراد همجنسگرا و دوجنسگرا از آشکار سازی در ایران فرار و تن به تبعید اجباری دهند / هر چند تبعید هم گزینه اخیری نیست چون بعد از فنا شدن عمرشان و فراموش کردن همه چیز حال همگون شدن با جامعه غربی و بدست آوردن شاید کمی آرامش انچنان راحت نباشد اما تنها گزینه ایست که این افراد پیش روی خود دارند تا بتوانند به هویت سوخته خود در جایی دیگر جان دهند.

برای بعضی از همجنسگرایان و دوجنسگرایان آشکار سازی دشوار است اما برای بقیه به آن حد هم دشوار نیست. خیلی وقت ها این افراد وقتی که پی به گرایش جنسی خود که با نرم جامعه فرق دارد می برند احساس ترس، متفاوت بودن و تنهایی می کنند. این مسئله به خصوص برای کسانی که در کودکی یا نوجوانی پی به گرایش جنسی خود برده اند صادق است و بستگی به مدل خانواده آنها و اجتماع اطراف آنها ممکن است از پیش دآوری و کم اطلاعی نسبت به همجنسگرایی رنج ببرند.

برای بعضی از همجنسگرایان این احساس شکنندگی به وجود می آید که در نتیجه اثرات مخرب تعصب و کلیشه است. آنها حتی ممکن است از طرد شدن توسط خانواده، دوستان، همکاران و اماکن مذهبی بترسند. و یک عده ای از همجنسگرایان هم از این می ترسند که اگر گرایش جنسی شان آشکار شود ممکن است کار خود را از دست بدهند و یا در مدرسه یا محیط کار مورد سوء استفاده قرار بگیرند.

متأسفانه همجنسگرایان و دوجنسگرایان بیشتر در مرض ریسک سو استفاده فیزیکی و خشونت قرار دارند. تحقیقاتی که در اواسط ۱۹۹۰ در کالیفرنیا انجام شد نشان داد که یک پنجم لربین ها "زنان همجنسگرا" و بیشتر از یک چهارم گی ها "مردان همجنسگرا" که در این تحقیق شرکت کرده بودند مورد خشونت ناشی از تنفر نسبت به گرایش جنسی شان قرار گرفته بودند.

در یک تحقیق دیگر در کالیفرنیا که روی تقریباً ۵۰۰ نفر جوان انجام شده بود، نصف مردان شکرست کننده اعتراف کردند که ضد همجنسگرا هستند و اعمال آنها در قبال ضد همجنسگرایی از فحش های رکیک دادن به همجنسگرایان تا خشونت بدنی درسته بندی شد.

و حال در جوامع مسلمان و به خصوص جامعه ایران که این اصل در صورت مشخص شدن با احکامی همچون اعدام، شکنجه، و سوء استفاده قرار گرفتن روبه روست و این امر از طرف نظام حکومتی، مردم و حتی خانواده های این افراد مورد قبول نیست میپردازیم فردی که همجنسگراست در





## نگاهی به رویدادها و فیلم های مهم سینما در ۲۰۱۵ سوئیا راد



برداشت‌های بلند، دوربین ثابت، سادگی روایت، ریتم آرام و فقدان نماهای نقطه نظر (پی او وی) است. مهمترین ساخته و شاهکار او فیلم "ژان دیلمان" ساخت ۱۹۷۵ با نام کامل "ژان دیلمان، شماره ۲۳ کمدو کومرس، ۱۰۸۰ بروکسل" (فرانسوی: *Jeanne Dielman, ۲۳ quai du Commerce*)، فیلمی است ۳ ساعت و ۲۰ دقیقه ای که سه روز از زندگی ظاهرا پیش پا افتاده بیوه‌ای تنها و مضطرب را تصویر می‌کند. آکرمن این فیلم را در سن ۲۴ سالگی طی ۵ هفته با بودجه ۱۲۰ هزار دلاری ساخت. او از معدود سینماگران زن تاریخ سینما بود که آثارش مبتنی بر اعتراضات عمیق فمینیستی بود.

سال ۲۰۱۵ از دید سینما دوستان و منتقدان، سال پر اتفاقی بود. از فیلم‌های متفاوت تولید شده در سطح جهانی گرفته، تا جوایز حاشیه برانگیز کن و برلیناله و اسکار. اما در میان این رویدادهای رنگارنگ و بیشتر تجاری، به چند رویداد مهم نگاهی خواهیم انداخت.

که تلفیقی از کمدی و تراژدی است در فیلم دیکتاتور بزرگ نیز نمایان است. چاپلین موفق شد با شیوه طنز تلخ خود، دشوارترین شرایط بشر را در جنگ همزمان با تزلزل شخصیتی هیتلر که آرزوی امپراطوری جهانی کورش کرده بود، به تصویر بکشد. اینک بعد از گذشت ۷۵



۱- درگذشت شانتال آکرمن (Chantal Akerman)  
شانتال آکرمن کارگردان، هنرپیشه، هنرمند، فیلم‌نامه‌نویس، و سینماشناس لهستانی‌تبار اهل بلژیک یکی از برجسته‌ترین فیلمسازان تجربی و آوانگارد



سال تأثیری که چاپلین بر بحران سیاسی دوران خود داشت، همچنان نظر منتقدان و فیلمسازان و تماشاگران را به خود جلب می‌کند. سخنرانی چارلی چاپلین در انتهای فیلم که یکی از مهمترین سکانس‌های آن بود، همچنان از تأثیر گذارترین دیالوگ‌ها و سکانس‌های تاریخ سینمای کلاسیک به شمار می‌رود.

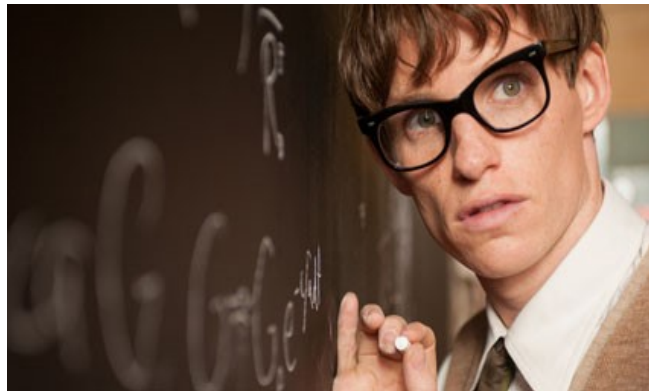
نژادپرستان نازی را برانگیخت و حتی شخص هیتلر را مجبور به دوبار تماشایش کرد. عکس العمل وی بعد از تماشای فیلم هیچگاه مشخص نشد، اما سربازان نازی را مجبور کرد به پرده سینما شلیک کنند که خود در تاریخ اثرگذاری سینما بی نظیر است! شیوه خاص چاپلین

۳- اسکار برای ایفا کننده نقش استیون هاوکینگ  
سال ۲۰۱۴ زندگی استیون هاوکینگ، یکی از بزرگترین دانشمندان معاصر کیهان‌شناسی و فیزیک دان نظری، به روی پرده سینما رفت که نظر بینندگان، منتقدان، دانش پژوهان و



که مجبور است جنازه آم‌ها را بسوزاند. این فیلم سعی دارد با نگاهی متفاوت به پدیده هلوکاست و جنایت‌های نازی‌ها بپردازد. داستان مستندوار این فیلم سینمایی به خاطر روایتی است که توسط یکی از زندانیان عضو گروهی به نام ساندرکومانو (به معنی نیمه قربانی، نیمه قاتل) که از طرف نیروهای آلمانی برای مراقبت از زندانیان یهودی و فرستادن آن‌ها به اتاق‌های گاز و سوزاندن اجساد به کار گماشته شده‌اند، انجام می‌شود.

۶- نمایش قسمت دوم زاغ مقلد از سری فیلم‌های بازی‌های عیش (The Hunger Games : Mockingjay ۲) بازی‌های عیش فیلمی است در ژانر علمی-تخیلی که اولین قسمت آن در سال ۲۰۱۲ به کارگردانی گری راس (Gary Ross) اکران شد. این فیلم بر اساس رمانی به همین نام نوشته سوزان کالینز ساخته شده است و جنیفر لارنس، جاش هاجرسون، وودی هارلسون و لیام همسورف در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند. داستان این فیلم



اساس رمانی به همین نام نوشته سوزان کالینز ساخته شده است و جنیفر لارنس، جاش هاجرسون، وودی هارلسون و لیام همسورف در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند. داستان این فیلم

پاریس در میانه جنگ بین باندها گرفتار می‌آیند. ژاک اودیارد زاده سال ۱۹۵۲، فرزند میشل اودیارد، از فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانان معروف فرانسوی است. پیش از این فیلم‌های او «ضربان قلب من متوقف شده است» «در سال ۲۰۰۵ و «پیامبر» «در سال ۲۰۰۹ برنده جایزه سزار و بفتا (بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان) شده بودند. او یک بار هم گرند پری کن را گرفته است. در میان نظر منتقدان شاید «دیپان» آن‌ها



بهترین فیلم این کارگردان نباشد، اما به هر حال اثر عمیق و تأثیرگذاری است.

#### ۵- فیلم پسر سانول (Son Of Saul) نگاهی دیگر به پدیده هلوکاست

"پسر سانول" که قبل از ریودن گوی توسط دیپان نامزد بهترین

آرزوی موفقیت کرد و گفت: «واکنش هاوکینگ بسیار مثبت بود. حتی پیشنهاد داد که از صدای خودش استفاده کنیم، همان صدای واقعی‌ای که خودش استفاده می‌کند. صدایی که در فیلم می‌شنوید، دقیقاً همان صدایی الکترونیکی‌ای است که هاوکینگ در واقعیت استفاده می‌کند»

#### ۴- دیپان (Dhepan) نخل طلایی فستیوال کن را از آن خود کرد

فیلم اجتماعی/ انتقادی دیپان، ساخته کارگردان فرانسوی، ژاک اودیارد، نخل طلایی فستیوال کن تعلق یافت. او در فیلم خود به موضوع پناهندگی و وضعیت حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ فرانسه پرداخته است. اودیارد سرنوشت سه پناهجوی اهل سریلانکا را به تصویر کشیده که خود را به عنوان یک خانواده معرفی می‌کنند تا زندگی نویی را در فرانسه بنا کنند، اما در حاشیه



## زنان و تابوی بیماری های جنسی

### نعیمه دوستدار

وقتی مصطفی اقلیما، مددکار اجتماعی و رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی، در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا از شیوع بیماری خطرناکی به نام زگیل تناسلی **خبر داد**، خبرگزاری های مختلف به سرعت این خبر را بازنشر کردند و حرف و حدیث های مختلفی هم درباره آن راه افتاد.

عده ای از ادعاهای او شگفت زده شدند که می گفت تاکنون حدود یک میلیون نفر به آن مبتلا شده اند و هیچ درمانی برای آن وجود ندارد، عده ای صلاحیت او را برای اظهار نظر در این مورد زیر سوال بردند و عده ای هم ترسیدند و نگران شدند.



زگیل های تناسلی زائده های گوشتی کوچکی هستند که ممکن است در هر قسمتی از ناحیه تناسلی زن یا مرد ظاهر شوند. عامل این بیماری ویروس پاپیلوما ی انسانی است که از طریق تماس مستقیم با زگیل تناسلی یا پوست آلوده به ویروس و اغلب از طریق ارتباط جنسی (چه در رابطه بین دو جنس و یا دو همجنس) منتقل می شود. زگیل تناسلی اما پدیده تازه ای نیست و **بعضی آمارها** خبر می دهد که در تمام دنیا این بیماری گسترده است و برخی آمار ۵۰ و برخی دیگر می گویند که ۸۰ درصد مردم به آن مبتلا می شوند. تنها در آمریکا ۷۹ میلیون نفر به آن مبتلا هستند و هر سال ۱۴ میلیون نفر به آن دچار می شوند. گفته می شود هر فردی که از نظر جنسی فعال باشد، در طول زندگی اش دست کم به یکی از انواع این ویروس مبتلا می شود که ۴۰ نوع مختلف از آن وجود دارد. با وجود این حد از فراگیری، بسیاری از مردم کمترین اطلاعات را درباره زگیل تناسلی و بیماری های مشابه آن دارند و نه تنها راه درمانش را نمی دانند، بلکه شنیدن نام آن، از نظر اجتماعی هم برای آنها تابو و مسئله تلقی می شود.

### حاشیه هایی به اهمیت متن

تعبیر الگوی رابطه جنسی و آسان بودن انتقال زگیل تناسلی باعث شده است تا به یک بیماری شایع تبدیل شود، اما با وجود شیوع این بیماری و بیماری های مشابه آن، بسیاری حتی نام آن را نشنیده اند یا باورهای کلیشه ای نسبت به آن دارند.

زگیل های تناسلی زائده های گوشتی کوچکی هستند که ممکن است در هر قسمتی از ناحیه تناسلی زن یا مرد ظاهر شوند. عامل این بیماری ویروس پاپیلوما ی انسانی است که از طریق تماس مستقیم با زگیل تناسلی یا پوست آلوده به ویروس و اغلب از طریق ارتباط جنسی منتقل می شود.

فروم ها و تالار های گفت و گو مجازی زیادی برای گفت و گو درباره این موضوعات وجود دارد که هم در نمونه های داخلی و هم در نمونه های خارجی، افراد مبتلا با نگرانی و ترس درباره نحوه مواجهه شان با موضوع حرف می زنند و آنچه بین همه آنها مشترک است، ترس شدید، از بین رفتن اعتماد به نفس و اضطراب فرد مبتلاست. با این حال در همین فضاها هم کم نیستند افرادی که به مبتلایان حمله می کنند و آنها را به بی اخلاقی متهم می کنند، اما این شیوه رفتار محدود به افراد عادی نیست و گاهی ممکن است پزشک هم این رفتار را با بیمار خود داشته باشد.

دکتر مهسا، خ، متخصص بیماری های زنان و زایمان، می گوید آماری که مصطفی اقلیما اعلام کرده دور از واقعیت نیست و دلیل هیاهوی رسانه ای درباره این موضوع تنها می تواند ناگهانی بودن انتشار این خبر و بی ارتباطی زمینه فعالیت رئیس انجمن مددکاری با موضوع باشد: «۱۵ سال است که طبابت می کنم و همیشه با این بیماری و بیماری های مشابه برخورد داشته ام. البته نمی شود انکار کرد که تعداد بیماران بیشتر شده. به هر حال روابط جنسی آزادتر از گذشته است و بسیاری از دختران و پسران ممکن است قبل از ازدواج رابطه های دیگری را تجربه کرده باشند. من فکر می کنم باید بیش از اینکه درباره درمان این بیماری حرف بزنیم درباره حاشیه های آن حرف بزنیم که خیلی هم مهم هستند.»

بیماری های مربوط به رابطه جنسی در مورد زنان عوارض اجتماعی و روانی بیشتری دارند؛ در مورد این بیماری ها زنان به بی عفتی و فساد متهم می شوند.

این پزشک متخصص معتقد است که بیماری های مربوط به رابطه جنسی در مورد زنان عوارض اجتماعی و روانی بیشتری دارند: «درست مثل اینکه هنوز هم وقتی زوجی بچه دار نمی شوند، اول زن است که محکوم می شود در مورد این بیماری ها هم زنان به بی عفتی و فساد متهم می شوند. متأسفانه در مورد این بیماری خاص، آشکار شدن و نمود بیماری در سطح بدن، در زنان بیشتر است و کمتر مردی که به ویروس مبتلا شده زگیل را به صورت عارضه روی بدنش می بیند. به این ترتیب مردان به عنوان ناقل بیماری آن را به شرکای جنسی شان منتقل می کنند و بر اساس عرف جامعه کمتر هم محکوم می شوند. من گاهی اوقات در مواجهه با این بیماری ها مجبورم نقش مشاور خانواده را هم بازی کنم. شوهر بیمار طلبکار است و می خواهد با مراجعه به من پزشک، مدرکی به دست بیاورد که زنش را متهم کند یا زنان خودشان دچار شک نسبت به همسرشان می شوند. در مجموع عوارض روحی این بیماری ها به دلیل ناشناخته بودنشان در جامعه برای زنان بیشتر است و متأسفانه فضای مناسب برای گفت و گو در این زمینه وجود ندارد و در نهایت باید در همین اتاق پزشک اطلاعات را به مردم داد.»

به اعتقاد دکتر مهسا، خ، باید راه آموزش به مردم باز شود: «اینترنت فضای خوبی است؛ هرچند من صد درصد هم آن را تأیید نمی کنم. گاهی افراد اطلاعات ناقص و غلطی از اینترنت می گیرند که بیشتر باعث نگرانی شان می شود، اما اگر مراجع رسمی و معتبر اطلاعات علمی را منتشر کنند، در جامعه ما که درگیر تابو است، ممکن است افراد بدون خجالت و رودربایستی بتوانند از اینترنت اطلاعات را بگیرند. در عین حال باید جوانان و به خصوص زنان را تشویق کرد تا اطلاعات بیشتری درباره سلامت جنسی خود به دست بیاورند و روابط خود را امن تر کنند. وسایلی مانند کاندوم می تواند تا حدی این نوع بیماری ها را کنترل کند، هرچند صد درصد نیست.»

### بیماری های مقاربتی و افسردگی جنسی

«روزهای آخر حاملگی ام بود که زگیل ها سر و کله شان پیدا شد. دکترم اما آن موقع چیزی نگفت. اولین جلسه بعد از به دنیا آمدن بچم، بهم گفت کی می آبی زگیل هات را بسوزانم؟ شوکه شدم. پرسیدم زگیل چیست؟ گفت زگیل است دیگر. فقط یادت باشد که هیچ وقت خوب نمی شود.»

تابو بودن مسائل جنسی باعث می شود که درباره بیماری های مربوط به دستگاه تناسلی و ناشی از روابط جنسی معمولاً کمترین اطلاعات وجود دارد و اطلاعات موجود هم با شایعه و توصیه های غلط همراه باشد.

روشنا روزهای بعد را با حال خیلی بدی گذرانده است: «رفتم خانه و توی اینترنت سرچ کردم. دیدم نوشته این بیماری عامل سرطان دهانه رحم است. دنیا پیش چشم تیره و تار شد. یعنی من هم سرطان می گیرم؟ زنگ زد به دکترم، جواب درستی نداد. فقط گفت نگران نباش، اما من دیگر حالم خراب شده بود. تا موقعی که بروم پیش دکترم، مدام اضطراب داشتم. اصلاً نمی توانستم از بچم نگهداری کنم. یک بار همه زگیل ها را فریز کرد، اما در معاینه بعدی دید که همه از بین نرفته اند. فریز کردن دردناک بود. دکتر که دید حال روحی ام خیلی بد است گفت ازت پاپ اسمیر می گیرم نمونه را می فرستیم آزمایشگاه تا ببینیم نوع ویروس چیست. آزمایشگاه نمونه را فرستاد آلمان. گفته بودند تعیین نوع ویروس را خودشان نمی توانند انجام بدهند. بعد از یک ماه جواب را گرفتم، خوشبختانه از نوع کم خطر بود. بعد از آن دکتر گفت که فقط لازم است هر سال پاپ اسمیر انجام بدهم.»

برای روشنا اما همه چیز با این آزمایش تمام نشده است: «خیلی احساس بدی داشتم. دچار سواس شده بودم. مدام همه چیز را ضد عفونی می‌کردم. لباس‌های زیر خردم و شوهرم را. رابطه جنسی‌مان خراب شده بود. فکر می‌کردم ویروس‌ها همه جا پخش می‌شوند.» روشنا تا زمانی که مهاجرت کرد، با این حال بد دست و پنجه نرم می‌کرد. در نروژ وقتی برای تست پاپ اسمیر سالانه مراجعه کرد، حالتش خیلی بهتر شد: «خانم دکتر خیلی عادی با موضوع برخورد کرد. به من گفت که وقتی ویروس از نوع بی‌خطر بوده باید فراموشش کنم. گفت اصلاً معلوم نیست آدم‌هایی که تا حالا زگیل را ندیده‌اند، ویروس را نداشته باشند. بعد از آن باز هم سواس داشتم، اما به مرور حامل خیلی بهتر شد.» روشنا می‌گوید با وجود اینکه حالتش از چند سال گذشته خیلی بهتر شده، اما در درون اعتماد به نفسش را در رابطه جنسی از دست داده است.

### زنان؛ خطر بیشتر، اتهام اجتماعی

تابو بودن مسائل جنسی باعث می‌شود که افراد کمترین دانش و اطلاعات را از طریق رسانه‌ها یا آموزش‌های رسمی به دست بیاورند و گفت‌وگو درباره این مسائل حتی در میان افراد نزدیک و همجنس هم غیراخلاقی تلقی شود. به همین دلیل است که درباره بیماری‌های مربوط به دستگاه تناسلی و ناشی از روابط جنسی معمولاً کمترین اطلاعات وجود دارد و اطلاعات موجود هم با شایعه و توصیه‌های غلط همراه باشد.

واکسن گارداسیل که بدن را در مقابل انواع خاصی از ویروس پاپیلوما و به خصوص خطرناکترین انواع آن مقاوم می‌کند، در برخی از کشورهای پیشرفته دنیا به افراد بالای ۱۰ سال تزریق می‌شود و به زنان و دختران زیر ۳۰ سال توصیه می‌شود اما در ایران دسترسی به این واکسن آسان نیست.

بهاره ۳۴ ساله بود که متوجه زگیل‌هایش شد. با وحشت رفت دکتر اما دکتر بیشتر او را ترساند: «حتماً شوهرت با کسی رابطه داشته. زود گفتیم نه. مطمئنم با کسی رابطه نداشته. چپ‌چپ نگاه کرد. لابد فکر کرد من با کسی دیگری رابطه داشته‌ام. آن موقع به ذهنم نرسید جوابش را بدهم. خب اصلاً هر دو رابطه داشته‌ایم. من در ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌ام. شوهرم ۳۲ سالگی، اما هیچکدام آدم‌های بدی نبوده‌ایم به این معنی که با هزار نفر رابطه داشته باشیم.»

درمان زگیل‌های تناسلی بهاره دوماه طول کشید. البته درمان کامل که نه چون دکتر جلسه اول به او گفت این ویروس هرگز از بین نمی‌رود و او و همسرش همیشه ناقل این بیماری خواهند بود. وقتی از بین بردن زگیل‌ها را به روش سوزاندن شروع کرد، درد زیادی را تحمل کرد و بعد از نخستین دوره درمان، زگیل‌ها به جای اینکه کم شوند، بیشتر شدند و نواحی بیشتری را درگیر کردند، اما بهاره نمی‌توانست از کسی کمک بگیرد: «درد شدیدی را تحمل کردم و تا چند روز نمی‌توانستم راحت بنشینم و بلند شوم. به هیچکس هم نمی‌توانستم بگویم حتی به مادر و خواهرم چون اگر می‌فهمیدند معلوم نبود درباره من چه فکری می‌کنند. دکترم هم یک کلمه با من حرف نمی‌زد، نه راهنمایی می‌کرد نه دل‌داری می‌داد. توی همان مطب بود که متوجه شدم خیلی‌های دیگر هم این مشکل را دارند. هر جلسه که به آنجا می‌رفتم دست کم دو، سه نفر دیگر هم برای همین موضوع مراجعه کرده بودند. وقتی همه مراحل درمانم را طی کردم، یک بار تصادفی فهمیدم که یکی از دوستان نزدیکم هم به همین مسئله دچار شده است و شنیدم که یکی از دوستان مشترکمان به بیماری مشابهی به نام تب‌خال تناسلی دچار شده است. آن کسی که تب‌خال تناسلی گرفته بود تازه نامزد کرده بود و رابطه‌شان داشت به هم می‌خورد. چون شوهرش فکر می‌کرد این بیماری را از کسی دیگری گرفته در حالی که دوست ما اولین بار بود که رابطه جنسی را تجربه می‌کرد.»

بهاره می‌گوید: «بعدها فهمیدم این بیماری ممکن است در موارد نادری از راه‌های دیگری غیر از رابطه جنسی هم منتقل شود، مثلاً یک دکتر زنان به من گفت اپیلاسیون‌های غیر بهداشتی می‌توانند عامل انتقال این بیماری باشند یا مثلاً حوله مرطوب و آلوده. دکتر خودم اما اطلاعات درست را به من نداد و مرا به شدت از سرطان ترساند. با این حال به من نگفت که باید آزمایشی برای تعیین نوع ویروس بدهم. اینها چیزهایی بود که بعد از طریق دوستم فهمیدم.»

### واکسن گارداسیل، کمبود و ابهام

واکسن گارداسیل که بدن را در مقابل انواع خاصی از ویروس پاپیلوما و به خصوص خطرناکترین انواع آن مقاوم می‌کند، در برخی از کشورهای پیشرفته دنیا به افراد بالای ۱۰ سال تزریق می‌شود و به زنان و دختران زیر ۳۰ سال توصیه می‌شود اما در ایران دسترسی به این واکسن آسان نیست. دکتر مهسا-خ می‌گوید: «با توجه به قیمت و شرایط دسترسی به این واکسن، تزریق آن در ایران خیلی روئین نیست. داروخانه‌های عمومی ندارند و داروخانه ۱۳ آبان هم به‌صورت دوره‌ای این واکسن را می‌آورد. البته برخی از دکترهای زنان و زایمان که دسترسی‌هایی به منابع دارویی خارج از کشور دارند آن را در مطب خود دارند و تزریق می‌کنند.» بر مبنای برخی پژوهش‌ها، واکسن گارداسیل جزو واکسن‌هایی بوده که شبهه‌هایی نسبت به عوارض جانبی خطرناک آن مطرح شده و کمپین‌هایی در مخالفت با تزریق آن در دنیا به راه افتاده است.

سیاست انکار که در زمینه‌های مختلف اجتماعی و بهداشتی در ایران رواج دارد، در این زمینه هم اثرگذار است. به این معنی که متخصصان و سیاست‌گذاران در برخورد با چنین موضوعاتی تلاش می‌کنند اولویت و اهمیت پرداختن به آن را دست‌کم بگیرند. با این حال، با در نظر گرفتن نقش تحریم‌ها، گرانی و فقدان اطلاع‌رسانی در زمینه تزریق این واکسن باید در نظر داشت که در زمینه استاده و تجویز و ترویج این واکسن تردیدهایی وجود دارد. بر مبنای برخی پژوهش‌ها، این واکسن جزو واکسن‌هایی بوده که شبهه‌هایی نسبت به عوارض جانبی خطرناک آن مطرح شده و کمپین‌هایی در مخالفت با تزریق آن در دنیا به راه افتاده است. بر اساس این ادعاها، شرکت‌های داروسازی در دامن زدن به ترس نسبت به این نوع بیماری‌ها نقش داشته‌اند و عامدانه از اطلاع‌رسانی دقیق درباره آن خودداری کرده‌اند تا این واکسن را به قیمت گزاف بفروشند.

دکتر سیدعلی آذین، متخصص پزشکی اجتماعی، مدیر کلینیک سلامت جنسی مرکز درمان ناباروری ابن‌سینا در ایران در اظهار نظری درباره واکسن پیشگیری از این بیماری گفته است: «شرایط اپیدمیولوژیک و ابهام‌های موجود و همچنین ملاحظات اجرایی و اقتصادی در کشور، فعلاً برای توجیه چنین مداخله‌ای کافی نیست، اما شهروندان حق دارند تا به این واکسن دسترسی داشته باشند.»

به نظر می‌رسد منظور از «شرایط اپیدمیولوژیک و ابهام‌های موجود» توجه به عوارض و خطرات احتمالی تجویز گسترده این واکسن باشد. سازمان‌های بهداشت در سطوح کشوری و بین‌المللی، نسبت به عوارض جانبی این واکسن نگرانی‌هایی داشته‌اند و ایمنی این واکسن همه ساله مورد بررسی قرار می‌گیرد (برای نمونه نگاه کنید به تحقیقات مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها در ایالات متحده آمریکا در مورد اثرهای جانبی واکسن زیگل تناسلی). این واکسن یکی از گران‌قیمت‌ترین واکسن‌ها در بازار بین‌المللی داروست. به همین دلیل، ملاحظات اجرایی و اقتصادی، فشار تحریم‌ها و کمبودهای دارویی کشور ایران در مقابل ضرورت‌های اولیه، وارد کردن چنین دارویی را تجملی و تزئینی می‌کند. مطلب را به بالاترین بفرستید:

## آزادی و برابری حق تمام انسان‌هاست

## دست‌خراش دین و مذہبی از زندگی مردم کوتاه

## در جامعه‌ای که زن حق انتخاب لباسش را ندارد، حرف زدن از انتخاب ازادپوچ و بی‌معنی‌ست



### نامه سرگشاده محمود صالحی به مسئولان وزارت اطلاعات استان کردستان

با عرض ادب و احترام.

مسئولان محترم وزارت اطلاعات استان کردستان:

این نامه سرگشاده را انتشار می دهم تا اینکه مردم و اذهان عمومی مطلع باشند که نیروهای تحت امر وزارت اطلاعات استان کردستان، وقتی وارد منزل شخصی ما شدند چکار کردند. اگر نامه را خصوصی می فرستادم، هیچ وقت نامه به دست شما ها نمی رسید و یا اگر هم می رسید به آن جواب نمی دادید. هر چند می دانم نوشتن چنین نامه ای رو به جامعه و انتشار آن در دنیای مجازی برای شخص من جرم محسوب می شود. ولی من آماده هستم تا یک بار دیگر به اتهام نوشتن نامه و انتشار آن در دنیای مجازی بازداشت و تفهم اتهام شوم.



جهت اطلاع کارگران و عموم مردم، در تاریخ ۲۹/۵/۹۴ از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج نامه ای به من دادند تا آن را به وزارت اطلاعات استان کردستان جهت تحویل کلیه مدارک و اسنادی که در منزل ما توسط نیروهای آن مرکز به تاراج رفته بود، ببرم. تاریخ ۲۹/۵/۹۴ به همراه همسر من نجیبه به دفتر مرکزی اداره اطلاعات استان کردستان مراجعه کردم و بعد از چند ساعت انتظار، یکی از نیروهای آن مرکز نامه دادگاه انقلاب را از ما تحویل گرفتند و به ما گفتند "بعدا" با شما تماس خواهیم گرفت". اما با گذشت چند ماه هنوز کسی با من تماس نگرفته است. در چند روز گذشته از طرف اداره شما مستقر در سقز با من تماس گرفتند که جهت تحویل هارد کامپیوتر به آن مرکز مراجعه کنم. ( یعنی هر بار که مراجعه کردیم مقداری از مدارک و اسناد را به ما تحویل دادند) من هم در جواب گفتم من دیگر آن هارد را لازم ندارم. اما در تاریخ ۱۴/۹/۹۴ از طرف اجرای احکام دادگستری سقز با من تماس گرفتند که جهت تحویل کیس کامپیوتر به آن اجرای احکام مراجعه کنم. به دلیل اینکه من کیس کامپیوتر در آن اجرای احکام نداشتم به تماس گیرنده جواب منفی دادم و گفتم مراجعه نخواهم کرد.

مسئولان محترم:

بنا به دستور آن مرکز ماموران لباس شخصی شهر سقز در تاریخ ۸/۲/۹۴ به نیابت از وزارت مربوطه بدون هماهنگی و به طور غیر قانونی وارد منزل مسکونی ما شدند یعنی بدون اینکه زنگ خانه ما را به صدا درآورند و خود را بعنوان ماموران امنیتی معرفی کنند، وارد حریم خصوصی خانواده ما شدند!! این مسله زیاد برای شخص من مهم نیست چون ما به این بی قانونی از طرف آن وزارت عادت کردیم و اگر روزی این را لمس و یا مشاهده نکنیم احساس می کنیم که وزارت اطلاعات استان کردستان تعطیل است و هیچ گونه تحرکی در آن مرکز وجود ندارد. من می خواهم در این مورد توضیحاتی بدهم که هم شما و هم مردم از آن اطلاع داشته باشند، هر چند که شما ها از آن اطلاع دارید.

ماجرای این قرار است.

چند ساعت قبل از دستگیر کردنم، یک نفر با من تماس گرفت، از صدای این شخص مشخص بود که مامور وزارت اطلاعات است. آن شخص پشت تلفن گفت " من با آقای محمود صالحی کار دارم" من خودم پشت خط بودم و در جواب شخص مورد نظر گفتم من محمود صالحی هستم. آن شخص فرمودند " من کارگر اخراجی هستم و در اداره کار شکایت کردم و امروز اداره کار برای من رای صادر کرده است. می خواهم آن رای را به شما نشان دهم تا شما نظر دهید که به آن رای اعتراض کنم یا خیر". من در جواب به اصطلاح کارگر اخراجی گفتم، من در خدمت شما هستم می توانید مدارک خود را پیش من بیاورید. کارگر اخراجی گفت " کجا باید بیایم؟ " منزل " کارگر اخراجی شما در منزل تشریف دارید؟ " بلی من منزل هستم. گوشی را قطع کرد و قرار بود به منزل ما بیاید. ( که هیچ وقت نیامد) وقتی گوشی را قطع کرد از ادبیاتش متوجه شدم که آن فرد کارگر نبود.

مسئولان محترم وزارت اطلاعات استان کردستان

بعد از این ماجرا چند ماشین از نیروهای شما منزل مسکونی ما را زیر نظر می گیرند و منتظر آن می مانند تا مهمانی برای ما بیاید و هر زمان ما برای مهمان در را باز کنیم، آنان نیز بدون هماهنگی و به قول خودشان ضربتی وارد منزل ما شوند. بعد از ظهر روز ۸/۲/۹۴ یکی از کارگران خباز بنام علی اسماعیلی به خانه ما مراجعه می کند. وقتی علی از ماشین پیاده می شود و زنگ درب منزل ما را می زند بلافاصله نیروهای شما که تا آن مدت در کمین بودند خود را به مهمان ما می رسانند و همزمان وقتی در خانه را باز کردیم، افراد شما علی را که مهمان ما بود با تهدید و زور او را از آن محل دور می کنند و خودشان بدون هماهنگی وارد منزل ما شدند.

شخص من در حیاط مشغول آبیاری باغچه بودم که زنگ منزل به صدا درآمد. از همسر من نجیبه سؤال کردم. نجیبه کیست؟ نجیبه جواب داد " علی اسماعیلی همان کارگر خباز که در تعاونی مسکن زمین دارد". نجیبه در را باز کرد و من منتظر آمدن علی بودم که یک مرتبه ۴ نفر مامور لباس شخصی را در مقابل خود دیدم.

مسئول ماموران لباس شخصی خیلی انسان با ادب و محترمی بود. با هم سلام و علیک کردیم و از من اجازه گرفت تا وارد خانه شویم. حتی آن شخص یعنی همان مسئول نیروها به خود اجازه نداد تا جلو من وارد منزل شود. وقتی وارد حال شدیم همان مسئول خیلی مودبانه از من خواست تا در یکی از اتاق ها بنشینیم با هم صحبت کنیم. ما وارد یکی از اتاق ها شدیم و به محض ورود ما به آن اتاق چند ماموری که با خود آورده بود مثل سربازان اسرائیلی که چطور به خانه و کاشانه مردم بی دفاع فلسطین تعرض می کنند و هر چیزی جلو دستشان باشد از بین می برند به اتاق های دیگر منزل ما یورش بردند بخصوص اتاق خواب من.

نیروهای اعزامی شما هر چیزی جلو دستشان بود از جمله فیش آب، برق، تلفن، گاز، پرونده پزشکی من و خانواده ام، کیس کامپیوتر، مدارک و



پرونده کارگران اخراجی، پرونده مربوط به شرکت تعاونی مصرف کارگران خباز، کتاب، بایگانی و پرونده های مربوط به تعاونی مسکن کارگران سقر و حومه، چند عدد تابلو که به دیوار نصب کرده بودیم، دفتر تلفن، مدارک کارشناسی زمین های که مربوط به تعاونی مسکن کارگران سقر و حومه، بایگانی های دیگری که امار مشخص آن در دست نیست و آلبوم خانوادگی. ماموران شما کلیه این مدارک و اسناد را به داخل چند کیسه پلاستیکی زیاله انداختند و آن را به تاراج بردند. آن مدارک و بایگانی شخصی که در منزل مسکونی من به دست نیروهای وزارت شما به تاراج رفت هیچ گونه ترتیبی با جرم من نداشته و ندارد. مسئولان محترم وزارت اطلاعات استان کردستان توجه شما را به ماده ۱۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ جلب میکنم. (هر چند می دانم که شما ها قانون این کشور را قبول ندارید)

ماده ۱۴۶: از اوراق، نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آنها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می شود.

**سئوال:**

- ۱ - مامورانی که به منزل ما حمله کردند کدامشان بازپرس بودند؟
  - ۲ - مدارکی که ماموران شما به تاراج بردند کدام یک از آن مدارک مرتبط به جرم من است؟ چون به استناد رای صادره از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سندانج اتهام من عضویت در کومه له حزب کمونیست ایران و کمیته هماهنگی بوده که هیچ وجهایت قانونی ندارد.
  - ۳ - طبق قانون باید کلیه اشیای که از متهم به دست می آید، در حضور خود متهم و یا فردی از خانواده او در دو برگ صورتجلسه گردد و یک برگ از صورتجلسه در اختیار خانواده متهم قرار گیرد. تا خانواده متهم و یا خود متهم بعد از آزادی با توجه به صورتجلسه تنظیمی درخواست اموال خود کند. آن صورتجلسه کجاست؟
- قابل ذکر است که در چند ماه گذشته اکثریت اوراق و پرونده های که در منزل ما توسط ماموران شما به تاراج رفته بود، در چند نوبت آن را به خانواده من تحویل دادند. اما اسنادی که مربوط به شرکت تعاونی مسکن کارگران سقر و حومه است در میان آن مدارک وجود ندارد. نگهداری مدارک شرکت تعاونی مسکن در وزارت اطلاعات چه سودی برای آن مرکز دارد؟ آیا به نظر شما ها که این همه ادعای خدمت به مردم را دارید، نگهداری آن مدارک که هیچ ربطی به شما و مورد اتهامی من ندارد، چه توجه قانونی دارد؟ (تا این تاریخ هنوز آن را پس ندادید)
- من شخصا" به این نتیجه رسیده ام که شما ها از یک عده سود جود دفاع و حمایت می کنید. چون من علیه هیئت مدیره تعاونی مسکن شکایت کرده بودم و دقیقاً همان روز که جلسه دادگاه برگزار شد، قاضی اعلام می کند که باید شخص من (محمود صالحی) در دادگاه حضور یابم. اما دقیقاً همان روز توسط نیروهای شما دستگیر و روانه زندان شدم!!
- آیا به نظر شما ها که همگی تحصیلکرده و دانشگاه رفته هستید، چه کسی جرم مرتکب شده است؟ ما کارگران که خواستار زندگی بهتر هستیم؟ یا شما ها که از دسترنج ما کارگران در ماه میلیون ها تومان حقوق دریافت می کنید و هر روز بدون هیچ دلیل قانونی از طریق تلفن ما را تهدید می کنید و یا به منزل مسکونی ما حمله می کنید و یا از بی عملی خودتان علیه ما پرونده سازی می کنید؟ آیا چه کسی قانون را زیر پا گذاشته است ما؟ یا شما ها که مجریان قانون هستید؟ در پایان خواستار بازپس دادن کلیه مدارک مربوط به شرکت تعاونی مسکن کارگران سقر و حومه و آلبوم عکس های خانوادگی هستم.

با کمال احترام محمود صالحی ۳۰/۱۰/۹۴



**مرفی شخصیت ها و زنان مهم و تاثیرگذار در جنبش سوسیالیستی**

**۱۵ ژانویه ۱۹۱۹: تندخوی سیاسی و نرمخوی انسانی**

۹۷ سال پیش در چنین روزی روزا لوکزامبورگ تلاشگر جنبش سوسیالیستی در برلین به قتل رسید. پدر و مادر روزا لوکزامبورگ (Rosa Luxemburg) از یهودی تباران لهستان بودند. در سال و روز تاریخ تولدش تردید وجود دارد. خودش تاریخ تولدش را ۵ مارس ۱۸۷۱ در زاموسک لهستان ذکر کرده است. روزا لوکزامبورگ به زبان های آلمانی، لهستانی، روسی، فرانسه و ایتالیایی تسلط داشت، شاگرد اول مدرسه بود اما مدیر مدرسه به خاطر پرخاشجویی هایش با مسئولان ادارات از دادن مدال طلای بهترین شاگرد دبلیمه که به او تعلق گرفته بود، سر باز زد.

از ۱۶ سالگی به گروه های تندرو سوسیالیستی در لهستان راه یافت و یک سال بعد از دست پلیس تزاری لهستان به سوئیس گریخت. در شهر زوریخ به دانشگاه رفت و تا مرحله دکترا در چند رشته گوناگون تحصیل کرد و تز دکتری خود را درباره تکامل صنعت در لهستان در رشته تاریخ نوشت اما بیشتر وقت و تلاش خود را صرف کارهای سیاسی و تشکیل سازمان های سوسیالیستی علیه حکومت روسیه که در آن زمان بر لهستان تسلط داشت، می کرد. در سال ۱۸۹۳ به عنوان نماینده اپوزیسیون لهستان در تبعید در کنفرانس انترناسیونال سوسیالیستی شرکت کرد و مسئله ملی لهستان را در ارتباط تنگ با نبود دموکراسی در پهنه اروپا دانست و سوسیالیسم و ناسیونالیسم را "جمع اضداد" نامید.

روزا لوکزامبورگ با کمک یاران خود حزب سوسیال دموکرات های لهستان و روسیه را تشکیل داد و سردبیری مجله "مسائل کارگران" که در پاریس منتشر می شد را به عهده گرفت.

او در سال ۱۸۹۸ در ۲۷ سالگی با دوست سوسیالیست آلمانی خود گوستاو لوبک از دواج و سپس به برلین مهاجرت کرد و تابعیت آلمان را پذیرفت. او در همان سال عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان "اس پ د" شد.

روزا لوکزامبورگ به رغم دیدگاه تندرو خود در دفاع از حقوق کارگران و دموکراسی، از پیشگامان صلح و هشداردهندگان علیه جنگ و نظامیگری بود. او اولین کسی بود که رسماً سرپیچی از دستور جنگ و حمله را به عنوان یک اقدام سیاسی و نافرمانی مدنی مطرح کرد و به این خاطر سه سال از مدت چهار ساله جنگ جهانی اول را در زندان های آلمان و لهستان گذراند.

او با آغاز جنگ در سال ۱۹۱۴ گروه اسپارتاکوس را تشکیل داد که سنگ بنای حزب کمونیست در آلمان به شمار می آید.

در روز ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ ماموران پلیس امنیتی برلین روزا لوکزامبورگ و یار سیاسی اش کارل لیبکنشت را از مخفیگاهشان به هتلی در برلین بردند و قلمداد کردند که آنها به هنگام فرار کشته شده اند.

هم اکنون چندین دبیرستان از جمله در برلین و چندین میدان و خیابان به یاد روزا لوکزامبورگ در آلمان نام گذاری شده اند.

تاس با سازمان رهائی زن



تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته، شنبه ۱۷:۳۰ به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهائی

زن باشید

فرکانس ماهواره:

Chanel One TV  
Hotbird 13E  
Frequency 11541  
Syb 22000  
Pol V  
FEC 5.6

برای همکاری با سازمان رهائی زن می توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: ۸۵۸-۵۳۱-۱۳۴۴

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلاپر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: دیانا نامی

تلفن تماس: ۰۰۴۴7862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۰۴۷۴۰۲۷

ایمیل: [motie\\_rojan@yahoo.com](mailto:motie_rojan@yahoo.com)

سوئد-استکهلم: پری زارع

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲

آدرس: ABF, Halldenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: سالار کرداری

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: آفاق وکیل

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۶۲۵۱۸۱۸۸

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: شراره رضائی

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۵۲۱۰۱۸۹۸۰۱

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)